

GARDESHGAR

Travel journal | Vol: 2 | Issue: 5 | The Second Week of May

Fulfill a dream of traveling to Iran

Backpacking Iran

All you need to know

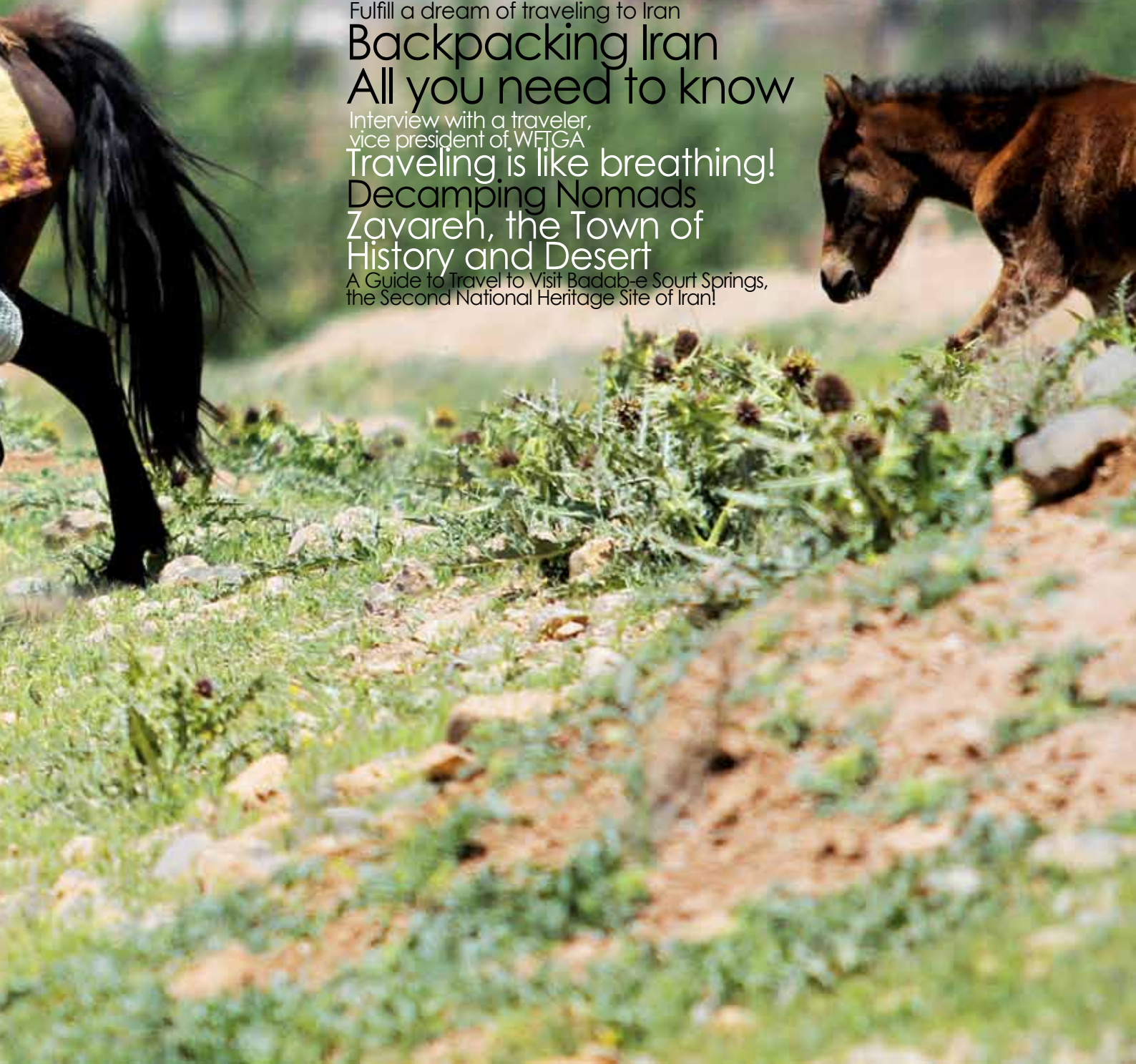
Interview with a traveler,
vice president of WFJGA

Traveling is like breathing!

Decamping Nomads

Zavareh, the Town of
History and Desert

A Guide to Travel to Visit Badab-e Surt Springs,
the Second National Heritage Site of Iran!



گفتگو

نیمه روزنامه اصفهان زیبا / سال دوم / دوره جدید / شماره پنجم / نیمه دوم اردیبهشت ۹۴



گزارش سفر به دریاچه‌های
باداب سورت و چنگل میانشه

آرامش در دریاچه‌های پله‌کانی و رنگین

گفت و گوی اختصاصی گردشگر
با نایب رئیس فدراسیون بین‌المللی راهنمایان تور

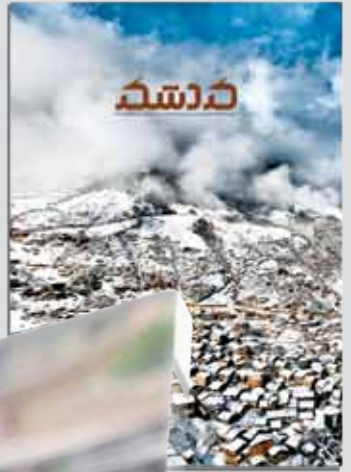
سفر یعنی تنفس

اهمیت سفر در آیات و احادیث

مگر زمین خدا وسیع نبود؟!

روایت‌های یک توربست آلمانی درباره سفرش با یک کوله پشتی به ایران

با یک کوله‌پشتی؛ از شمال تا جنوب ایران



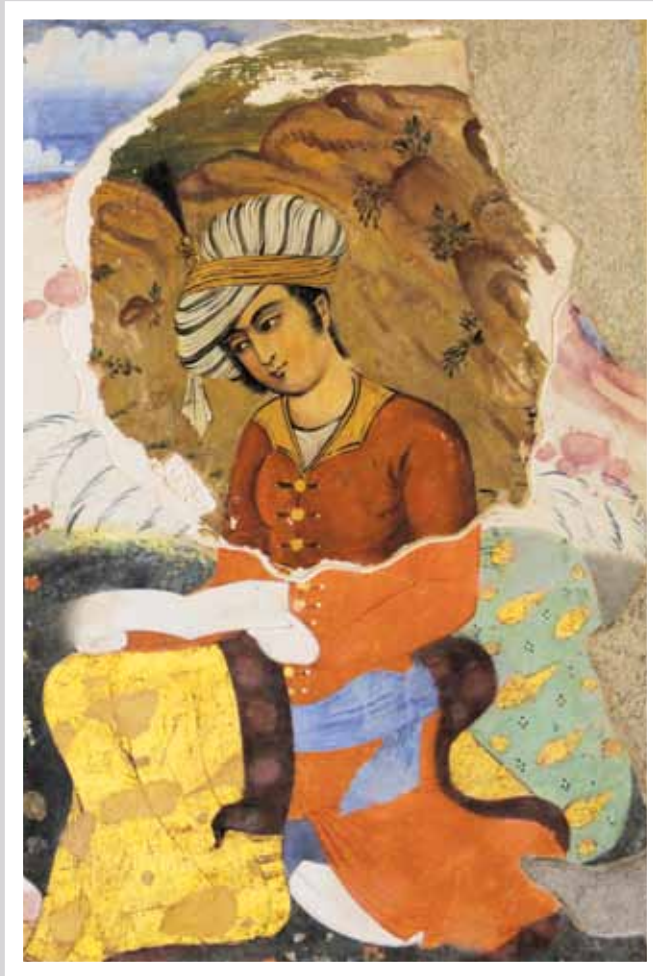
گردشگر آگهی می پذیرد

ارائه خدمات خبری درج آگهی و رپورتاژ
پوشش خبری سمینارها و همایشها

۰۳۱ - ۳۲۲۲۹۵۱۲

GardeshGar@isfahanziba.ir

سرویس ارتباطات و تبلیغات گردشگر



عکس دولایه نقاشی مربوط به دوران صفویه و قاجاریه / کاخ جهلستون

صاحب امتیاز شهرداری اصفهان
مدیر مسئول دکتر سیدمرتضی سقائیان نژاد
سردبیر رضوان اصغری
دبیر ویژه نامه نفیسه حاجاتی
مدیریت ارتباطات و تبلیغات اکبر منتشلو
مدیر هنری محمدحسن لطیفی

گرددشکر

با گردشگر مقصد سفرهایتان را انتخاب کنید

صفحه نهم

همکاران شماره پنجم حمیدرضا نیکومرام، مهدی تمیزی، احسان عمادی
پری زنگنه، مهدی گلی، علیرضا دامادزاده
ویراستاران سمیه حفیظی، مریم مشیر پناهی، رضوان وطن خواه

تلفن تماس ۰۳۱۳۲۲۹۵۱۲ فکس ۰۳۱۳۲۲۱۹۰۷۰ شماره پیامک ۰۳۰۰۴۸۳۰۸۸
اصفهان، میدان امام حسین (علیه السلام)، خیابان طالقانی، مقابل ارگ جهان نما

عکس روی جلد کوچ عشایر، سمیرم عکاس حمیدرضا نیکومرام

تاسیس خانه بوم گردی اصفهان برای علاقه مندان و فعالان طبیعت گردی

اولین نشست خانه بوم گردی اصفهان در موسسه آموزشی آوای دشتیاران با حضور جمعی از راهنمایان طبیعت گردی جهت بررسی مهم ترین مسائل و مشکلات این حوزه در تاریخ ۱۵ اردیبهشت ماه برگزار شد. در ابتدای نشست، ضمن تشریح مهم ترین اهداف تشکیل خانه طبیعت گردی به عنوان یک نهاد غیر دولتی و مردمی، بر این مهم تاکید شد که موضوع طبیعت گردی باید از یک موضوع صرفاً تفننی و غیر تخصصی، به یک حالت تخصصی که دارای شان و جایگاه ویژه‌ای در جامعه باشد تبدیل شود. حاضران در نشست با یادآوری اینکه اساس این NGO گردشگری است و نه محیط زیستی، این نکته را یادآور شدند که از یک سو باید به گونه‌ای عمل شود که همانند هر صنف دیگری، هر شخص یا نهاد غیر متخصص وارد این حوزه نشود و از سوی دیگر، تورهای طبیعت گردی منحصر به روزهای خاص سال نباشد و به صورت پیوسته در طول سال پایدار بماند. در ادامه نشست، مشکلات و مسائل مرتبط با طبیعت گردی مطرح شد که برخی از این مشکلات عبارت بودند از: مساله گروه‌ها و افراد ثبت نشده و بی مجوز، لزوم فرهنگ سازی عمومی در رابطه با طبیعت گردی، مشکلات بیمه ای تورهای طبیعت گردی، برگرداندن شان و شخصیت به طبیعت گردی، لزوم آموزش مدیریت بحران برای راهنمایان طبیعت گردی، به اشتراک گذاشتن تجربیات راهنمایان طبیعت گرد، تعریف واژه‌ها و شاخص‌های این حوزه، مساله برخورد نیروی انتظامی با تورها و نظارت بر گروه‌ها یا افرادی که مجوز دارند. از اهداف موسسه مردم نهاد خانه بوم گردی اصفهان، یکسان سازی و ایجاد تعریفی برای گردشگری پایدار است که این روزها به هیچ عنوان رعایت نمی‌شود. ظرفیت سنجی مناطق بکر طبیعی و فرهنگ سازی و آموزش هم برای راهنمایان، هم برای گردشگران و هم برای جوامع محلی از دیگر اهداف تشکیل این موسسه است. همراهی و عضویت راهنمایان طبیعت گردی در انجمن صنفی راهنمایان و بحث بیمه راهنمایان و امنیت راه‌ها و همچنین تعامل و همیاری با نیروهای انتظامی و سازمان میراث فرهنگی در جهت هر چه بیشتر قانونمند شدن تورهای طبیعت گردی نیز از دیگر مباحث مورد بحث در این انجمن مردم نهاد است. خانه بوم گردی اصفهان هم اکنون با همراهی و همفکری راهنمایان طبیعت گردی استان اصفهان، خانم دکتر لطفی (مسئول طبیعت گردی سازمان میراث فرهنگی) و دکتر راست قلم (مدرس طبیعت گردی) اولین قدم‌ها را برداشته است.



مرکز پژوهش‌های مجلس آمارهای گردشگری ایران را بررسی کرد

مهر: معاونت پژوهش‌های اجتماعی و فرهنگی مرکز پژوهش‌های مجلس، نمایه آماری گردشگری ایران را منتشر کرد. مرکز پژوهش‌های مجلس در تیرماه سال ۹۳ گزارشی با عنوان حساب‌های اقماری ابزاری برای سیاست‌گذاری حوزه گردشگری منتشر کرد. بر اساس این گزارش، در سال ۲۰۱۴ سهم گردشگری در تولید ناخالص داخلی کشور برابر ۶٫۱ درصد بوده است. همچنین با توجه به اینکه ۸۱٫۵ درصد از این سهم متعلق به مخارج گردشگری داخلی است، علاوه بر آن گردشگری توانسته در مجموع نیم میلیون و ۱۸۴ هزار شغل به وجود آورد. بنا به پیش‌بینی شورای جهانی سفر و گردشگری، بر اساس شاخص‌ها رشد سهم گردشگری در تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۲۰۱۴ با رشد ۱۰ درصدی نسبت به سال ۲۰۱۳، در جایگاه چهارم دنیا قرار دارد. در حوزه گردشگری برون مرزی، این گزارش، تصویر اشاره‌ای نشده‌ای از میزان سفرهای برون مرزی، کشورهای مقصد و میزان واردات گردشگری کشور را ارائه کرده است که براساس آن کشورهای ترکیه، عراق و عربستان به ترتیب برترین مقاصد گردشگری ایرانیان را تشکیل می‌دهند.

طرح جذاب ایران، چشم CNN را گرفت

ایسنا: شبکه خبری معروف آمریکا در گزارشی با اشاره به آغاز مجموعه نمایشگاه‌های جهانی «اکسپوی میلان»، غرفه ایران را یکی از جذاب‌ترین‌ها از لحاظ طراحی و جذب مخاطب معرفی کرد. اکسپو میلان ۲۰۱۵ با موضوع «تغذیه جهانی: انرژی زندگی» که امیدوار است در طول شش ماه برگزاری میزبان ۲۰ میلیون بازدیدکننده از سراسر جهان باشد، شاهد جشنواره‌ای از طرح‌های فوق‌العاده معماری است که جذابیت دو چندان به این رویداد بخشیده است. در این رویداد شش ماهه، ۱۴۵ کشور جهان این فرصت را دارند تا به معرفی محصولات و فرهنگ غذایی منحصر به فرد خود در غرفه‌هایی بپردازند که خود مسوولیت ساخت آن را بر اساس طرح و ایده‌شان بر عهده داشته‌اند. غرفه ایران در اکسپو ۲۰۱۵ با توجه به موضوع «تغذیه جهانی: انرژی برای حیات» و همچنین این اعتقاد که بشر میهمان خداوند بر روی زمین است، در محیطی به مساحت ۱۹۵۰ متر و به صورت یک سفره طراحی شده است. فضای نمایشگاهی درون غرفه ایران بر اساس مضامینی چون عدالت، نیکوکاری، قناعت و شکرگزاری طراحی شده است.

اهمیت سفر در آیات و احادیث مگر زمین خدا وسیع نبود؟!*

سفر در روایات در روایات به سفر سفارش و آدابی برای آن بیان شده است. از جمله صدقه و دعا در سفر، رفیق و همسفر خوب برای خود انتخاب کردن و همچنین کراهت سفر به تنهایی. توصیه شده اگر مسافرت گروهی انجام می‌شود، یک نفر به عنوان رئیس گروه انتخاب شود و با هم خرج کنند. امام صادق (ع) به یکی از شیعیان که از سفر بازگشته بود، فرمودند: «چرا برادرانت را خوار گردانیدی؟ با تعجب عرض کرد: من در هر منزل گوسفندی ذبح کرده و به همه غذا می‌دادم». حضرت فرمودند: «همین کار تو باعث می‌شد کسانی که به مقدار تو ثروت نداشتند، احساس حقارت کنند». خیلی سفارش شده است که در مسافرت همسفران به یکدیگر کمک کنند. امام سجاد (علیه السلام) مخصوصاً با کاروان ناشناس سفر می‌کردند تا بتوانند به همسفران خدمت کنند. باید رفاقت و مدارای افراد در سفر بیشتر شود و همسفران با روی گشاده و خلق خوش یا یکدیگر بر خورد کنند. همسفران باید با هم مشورت کنند و از تک‌روی پرهیزند.

در «حلیه‌المتقین» از امام صادق (ع) و در نصایح حضرت لقمان به پسرش آمده: همسفران باید مراقب باشند نمازهایشان از دست نرود، کمتر حرف بزنند و بیشتر خاموش باشند. با جمع باشند و در کارهای جمعی منزوی نشوند و همکاری کنند. هر قدر می‌شود قرآن بخوانند. نکته مهم دیگر این است که هر کس مومن مسافری را کمک کند، خداوند شدت‌های دنیا و آخرت را از او برمی‌دارد. توصیه شده که با صدقه‌های خود در برابر راهزنان و سارقین حفاظت کنند. در روایتی در «عیون‌الخبار الرضا» علیه‌السلام آمده است: جمعی از تجار با مال التجاره فراوان در معیت حضرت امام صادق (ع) سفر می‌کردند. خبر رسید که راهزنان در راهند. مسافران سراسیمه محضر حضرت رسیدند و پیشنهاد کردند اموالشان را دفن کنند تا بعد به سراغشان بروند. حضرت فرمودند: شاید بعداً جایش را پیدا نکنید و بعد فرمودند: شما صدقه بدهید. گفتند: اینجا فقیر نداریم. حضرت فرمودند: اینجا نیت کنید بخشی از مال خود را صدقه دهید. همین کار را کردند و وقتی به دردها رسیدند آنها تنها چیزی از کاروان نبردند، بلکه پیشنهاد کردند از قافله محافظت هم بکنند که حضرت نپذیرفتند. بعداً کاروان به مقصد رسید و تجار ده برابر سود به دست آوردند*



قبرستان بقیع عکاس میهمان تصویر

سفر در لغت به معنای برکنار زدن است و این از آن روست که در مسافرت روحیات انسان کشف و همچنین حقایق تازه به روی او گشوده می‌شود. سفر مورد سفارش اسلام است و در آیات و احادیث و روایت‌های مختلف بر اهمیت آن تأکید و درباره‌اش صحبت شده است.

سفر در آیات قرآن سفر پیغمبر اکرم (ص) به مدینه منوره مبدا تاریخ اسلام قرار گرفت و کسانی که با مسافرت می‌توانسته‌اند از ستمکاران نجات یابند ولی مهاجرت نکرده‌اند، هنگام مرگ مورد توبیخ واقع می‌شوند و چنان که در آیه ۹۷ «سوره نساء» آمده، به آنان گفته می‌شود: مگر زمین خدا وسیع نبود؟! چرا سرزمین خود را ترک نکردید؟! (إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظِلْمِي أَنفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا) و برای چنین کسانی چیزی جز جهنم وجود نخواهد داشت. از سوی دیگر، در آیه ۱۰۲ همین سوره هم آمده: اگر سفر در راه خدا و رسول بود، مسافر اگر جان خود را در چنین سفری از دست بدهد اجر مخصوص پروردگار را خواهد داشت. درباره اهمیت سفر و مقدس بودن مسافران راه خدا در آیات قرآن، شاهد دیگر آنجاست که خداوند در آیه‌ای از سوره «والعادیات» به نفس‌های اسب‌هایشان و جرعه سم آنها که در برخورد با زمین ایجاد می‌شود، قسم خورده است (وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا (۱) فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا (۲)).

مسافرت درس‌آموز است و بر تجارب انسان می‌افزاید؛ در سفر درس‌هایی هستند که هرگز در حضر به دست نمی‌آیند. سفر از نظر شرع به «واجب»، «حرام»، «مستحب»، «مکروه» و «مباح» تقسیم می‌شود. مسافرت برای حج یا جهاد یا تحصیل علمی که منوط به سفر باشد، از جمله «سفرهای واجب» محسوب می‌شوند. تحصیل علوم دینی برای گروهی که استعداد داشته باشند واجب است و اگر این امر نیاز به مسافرت داشته باشد، این سفر هم واجب است و در قرآن هم با «ضر» به معنای کوچ از آن یاد شده است (ر.ک سوره توبه، آیه ۱۲۴). عنوان «سفر حرام» هم به سفری اطلاق می‌شود که برای انجام معصیت باشد. مثل سفر بدهکاری که توان ادای دین خود را دارد، ولی برای فرار از دست طلبکار مسافرت را انتخاب می‌کند یا سفر فرزند که موجب آزار دیدن والدین شود یا سفر زن بدون رضایت شوهرش. همچنین سفر برای شکاری که از سر تفریح است (برای تفریح حیوانات را شکار کند) حرام محسوب می‌شود؛ هر چند که «شکار» و خوردن گوشت شکار حلال است و اصولاً شکار برای امرار معاش و ضرورت زندگی جایز است. به عبارتی، اسلام حاضر نیست جان حیوانات به خاطر تفریح انسان‌ها از دست برود. عنوان «سفر مستحب» به سفرهای زیارتی به اماکن مذهبی اطلاق می‌شود و در قرآن با لفظ «سیاحت» از آن یاد شده. در سوره «تحریم» در وصف زنان موردپسند خدای تعالی برای پیغمبر اکرم (ص) آمده: این زنان سائحات هستند. البته در یک تفسیر هم «سائح» به معنای «روزه دار» آمده، اما نظر علامه طباطبایی همان معنای اول است.

عنوان دیگری که در آیات قرآن برای سفر ذکر شده، «مکروه» است؛ مانند سفر در ماه رمضان قبل از بیست و سوم ماه. لازم به ذکر است که مسافرت تنها مبطلی است که اگر در حال روزه‌داری ماه رمضان عمداً هم بجا آورده شود حرام نیست و فقط روزه را باطل می‌کند. البته مبطل بودن آن هم در زمانی است که تا پیش از اذان ظهر انجام شود و بعداً باید قضای آن را بجا آورد، در حالی که کفار هم ندارند. حتی اگر برای فرار از روزه هم مسافرت کند، جایز است. اما به هر حال انجام این سفر در ماه رمضان تا قبل از ۲۳ ماه بهتر است ترک شود. برای سفرهایی که واجب، حرام و یا مکروه نیستند، عبارت «سفر مباح» عنوان شده. مانند سفر بعد از بیست و سوم ماه رمضان یا سفرهایی صرفاً برای تفریح. البته خود تفریح هم مستحب است. اسلام به مسافر ارفاق کرده و نمازهای چهاررکعتی را به دوررکعتی تبدیل فرموده و وجوب روزه را هم برداشته است. یکی از سفارشات مهم قرآن در مسافرت، موضوع عبرت‌گیری و پندآموزی است. انسان باید در سفرهایش از امت‌های بدعاقبت عبرت بگیرد. امیرالمومنین (علیه السلام) در سفر به مدائن هنگام بازدید از ایوان کسری آیه ۲۸ سوره «دخان» را خواندند: چه باغ‌ها و چشمه‌ها و کشتزارها که باقی گذارند و رفتند و نه آسمان و زمین بر آنها گریست و نه مهلت داده شدند



روایت‌های یک توریست آلمانی درباره سفرش با یک کوله پشتی به ایران

با یک کوله‌پشتی؛ از شمال تا جنوب ایران

سفری از آلمان به ایران؛ بازدید از تهران، اصفهان، شیراز، دشت کویر، بم، راین و قشم



را با عکس توضیح داده تا اگر کسانی خواستند این سفر را تجربه کنند افق روشنی پیش رو داشته باشند. کلمنز شهی حالا به بیش از ۶۰ کشور دنیا سفر کرده و درباره هر سفر در وبلاگش گزارش‌های مفصل مصوری منتشر کرده که حاوی اطلاعات خوب و کاربردی درباره سفر به این کشورهاست. مثلاً در گزارش ایران لیست دانستنی‌های مهم سفر از قیمت هتل و اتوبوس گرفته تا غذاهای خوشمزه و هزینه سفر به نقاط دیدنی را نوشته است. او در کنار توصیف زیبایی چشم اندازها و آثار باستانی ایران، به محدودیت‌هایی نظیر در دسترس نبودن فیسبوک و سایر شبکه‌های اجتماعی و کند بودن اینترنت در هتل‌ها نیز اشاره کرده است. او مردم ایران را مهربان و میهمان‌نواز توصیف می‌کند و می‌نویسد که در این سفر دوستان زیادی خواهید یافت. در ادامه بخش‌هایی از گزارش‌های شهی را برایتان انتخاب کرده‌ایم. خلاصه‌ای از راهنماهای او را هم در بخش انگلیسی مجله می‌توانید بخوانید.

طی سال‌های اخیر تعداد توریست‌های ایران بیشتر شده‌اند. بخش اعظمی از این توریست‌ها حس ماجراجویی دارند و به همین دلیل هم ایران را به عنوان مقصد سفرشان انتخاب کرده‌اند، اما خوب لوکس پسند هم هستند؛ با وسایل حمل و نقل توریستی لوکس مانند قطار طلایی دانونب سفر می‌کنند و در هتل‌های ۴ و ۵ ستاره می‌مانند، اما بخش دیگری هم هستند که به ماجراجویی علاقه مندند یک کوله پشتی برمی‌دارند و از آن سر دنیا سفرشان را آغاز می‌کنند و سر تا سر ایران را زیر پای می‌گذارند. یکی از این توریست‌ها روزنامه‌نگار آلمانی است به نام کلمنز شهی (Clemens Sehi) است. او برای دیدن ایران سفر با یک کوله پشتی (Backpacking) را انتخاب کرده و شهرهای مختلفی از شمال تا جنوب ایران را دیده. این مسافر حرفه‌ای در وبلاگش چندین مطلب درباره ایران نوشته که یکی از آنها «راهنمای سفر با کوله پشتی به ایران» است. در این راهنما او تمام مراحل اخذ ویزا و سفر به ایران

و لذیذ هم هستند. مثل دیزی که از گوشت و سیب زمینی و نخود درست می شود تا انواع کباب های لذیذ و دوست داشتنی. من آش را هم در ایران کشف کردم که خیلی خوشمزه بود. ولی خب بشقاب غذای سنتی ایران، چلو کباب است که معمولا با دوغ سرو می شود. رستوران های خوب معمولا در طبقه اول ساختمان ها واقع شده اند، کوچکند و گارسون ها پسران جوانی هستند که غذاهایی را که حاصل دست پخت مادر است، سرو می کنند.

ایران کشور امنی است

آلمانی ها و بسیاری دیگر از توریست های اروپایی، به راحتی و حتی به تنهایی می توانند به ایران سفر کنند، اما آمریکایی ها و به تازگی انگلیسی ها و کانادایی ها، باید با تور و مجوزهای خاصی وارد ایران شوند. چه تنها سفر کنید و چه در قالب تور، باید بگویم ایران کشور امنی است. من معتقدم این کشور از اغلب کشورهای عربی امن تر است. در ایران زنان برقه نمی پوشند. ایرانی ها توریست نیستند. کسی سلاح هسته ای ندارد. من در ایران احساس امنیت بیشتری داشتم تا در خیلی از کشورهای اروپایی! در ایران، کارت های اعتباری بین المللی و چک های مسافرتی قابل استفاده نیستند! ویزا کارت و مسترکارت هم به درد شما نمی خورند به جای آنها، پول نقد همراه خود داشته باشید.

ایرانی های میهمان نواز!

بسر خلاف گزارش های رایج، ایرانی ها افرادی بسیاری میهمان نواز و مهربان هستند. در کمتر سفری به کشورهای مختلف، من چنین انسان های خوب و با محبتی دیده ام. افرادی که به وفور از شما با چای و وعده های غذایی مختلف پذیرایی می کنند. یکی از دوستان خوب ایرانی من یک بار گفته بود: ایران سرزمینی چهار فصل است. در حقیقت باید بگویم که واقعا همینطور است. در یکی از سفرهایم در ماه ژانویه، در فاصله دو روز، در شمال ایران، برف بازی کردم و در دشت کویر، دمای ۳۰ درجه سانتیگرادی را تجربه نمودم!

اصفهان زیبایی ایران!

یک ضرب المثل ایرانی هست که می گوید: «اصفهان نصف جهان است». من می گویم حداقل اصفهان نیمی از ایران است. اول از همه، میدان نقش جهان است. میدانی که می گویند بعد از میدانی در چین، بزرگ ترین میدان جهان است. به هر حال در نظر مردم محلی بهترین در جهان است. نماز جمعه هم در این میدان برگزار می شود. در این میدان مسجد امام، مسجد شیخ لطف الله و کاخ عالی قاپو را ببینید. مسجد جامع هم بنای شگفت انگیز دیگر اصفهان است در میان بازار قدیمی که نباید دیدنش را از دست بدهید. دیدن کاخ هشت بهشت و کاخ چهلستون را هم به شما توصیه می کنم. در گرمای روز بازارگردی را از دست ندهید و عصر زمانی که خورشید در حال غروب است، روی سی و سه پل قدم بزنید. هیچ تعجبی ندارد اگر عاشق اصفهان شوید.

کشور طبیعت و گنبد های فیروز های

چه کسی را می شناسید که رویای سفر به ایران را در سر نپرورانده باشد؟! کشوری که هر روز توریست های بیشتری را جذب می کند به خاطر جذابیت های طبیعی اش، مساجد با گنبد های فیروز های اش و بازار های تودرتوی جذابی. سلام! با وجود همه تبلیغات منفی که در خصوص ایران وجود دارد، باید بگویم ایران کشوری است که هر بیننده ای را به خود جذب می کند. بعد از دو سفری که به ایران داشتم، در اینجا توضیحاتی در مورد این کشور شگفت انگیز برای شما آورده ام.

تحقق رویای یک سفر

ماه ژوئن برای من با تحقق رویای یک سفر فوق العاده همراه بود؛ مخصوصا با یک سفر طولانی جاده ای در این کشور. برنامه سفر من شامل هفت کشور در بالکان در اروپای شرقی بود و البته مهم ترین مقصد؛ ایران! کشوری که خیلی ها وقتی درباره اش می شنوند، از سفر به آن احساس مور مور شدن بهشان دست می دهد! من هفته ها در ایران بودم و شهرهای شگفت انگیزی مثل اصفهان، شیراز و بم را از نزدیک دیدم. ما از تهران یک مسیر طولانی را شروع کردیم به کاشان، یزد و اصفهان رفتیم و بعد به شیراز رسیدیم. تورهای مختلفی در ایران تجربه کردم و دوستان بسیار خوبی که دوست واقعی هستند پیدا کردم. به نظر من سفر به ایران بهترین تصمیمی بود که در زندگی ام گرفته ام و مطمئنا این آخرین سفرم هم نبوده است.

همه راه های رسیدن به ایران

شما از راه های مختلفی می توانید به ایران برسید؛ با قطار، هواپیما یا حتی دوچرخه! می توانید از راه ترکیه به ایران وارد شوید. ولی از اروپا هنوز بهترین راه رسیدن به ایران، هواپیماست. هواپیمایی ترکیه، هواپیمایی اتریش، هواپیمایی امارات، هواپیمایی ایتالیا، هواپیمایی پگاسوس، ایران ایر یا هواپیمایی آلمان از جمله انتخاب های شما خواهند بود. به نظر من زیرساخت های حمل و نقل عمومی در ایران خیلی خوب است. علاوه بر شبکه ریلی خوبی که در این کشور وجود دارد، شبکه ارتباطی خوب و وسیعی هم توسط اتوبوس های راحت و همینطور پروازهای داخلی ارزان قیمت برای شما وجود دارد که می توانید از آنها استفاده کنید. شاید برایتان جالب باشد بدانید بعضی از اتوبوس هایی که در حال حاضر در ایران وجود دارند (مخصوصا VIP ها) از خیلی از اتوبوس های حال حاضر اروپا بهتر و راحت تر هستند.

خانه ها و غذاهای محلی مر جرداند

در هر شهر بزرگ ایران، حداقل دو هتل خیلی خوب وجود دارد. همچنین خانه های محلی را شناسید به شما توصیه می کنم! در کنار فست فودهای ارزانی که می توانید در عموم شهرهای ایران پیدا کنید، غذاهای محلی بی اندازه خوشمزه



گزارش سفر به زواره

شهر تاریخ و کویر

گذری به دوران ساسانیان، سلجوقیان و قاجاریه در زواره، پیاده روی در کویر دق سرخ و کوهستان برفی دیان

دهها اثر تاریخی دیگر اولین دلیل من برای سفر به «زواره» بود. اما دو دلیل مهم دیگر هم وجود داشتند: اول اینکه به دنبال دیدار از کویر منحصر به فرد «دق سرخ» بودم و دوم اینکه می‌خواستیم به دیدن بانویی بروم که عاشق وطنش است و عاشق میهمان نوازی و برای همین آرمان، زندگی مرفه خود را در تهران رها کرده و به زادگاهش بازگشته و کارهایی فرهنگی در زمینه گردشگری انجام می‌دهد.

موقع انتخاب یک مقصد گردشگری، همه ما به دلایل مختلفی که برای این انتخاب وجود دارد، فکر می‌کنیم و خوب وقتی تعداد این دلایل به حد نصاب مورد نظرمان برسند، بی‌شک باز سفر می‌بندیم و راهی می‌شویم. دیدن دومین مسجد چهار ایوانی جهان اسلام، یکی از دو تک مناره کتیبه‌دار مسجد پامنار، یخچال، آب انبار، کاخ امیرآباد، کاخ سرهنگ آباد و حسینیه کوچک و بزرگ، بازار و

از اصفهان به سمت زواره

برای رسیدن به زواره، از «اصفهان» به «دولت آباد» می‌رویم و بعد تا «حبیب آباد». از آنجا به «کمشچه» و «ردستان» می‌رسیم و بعد از طی کردن فاصله ۱۴ کیلومتری، در «زواره» هستیم. زواره در غرب با نطنز و آران و بیدگل و کاشان و از شرق با نائین و از جنوب با اصفهان و از شمال با استان سمنان همجوار است و شهری تاریخی در حاشیه کویر مرکزی ایران به شمار می‌رود و نام برادر رستم را بر خود دارد. می‌گویند از دو واژه پهلوی «زو» و «اره» به معنای «راه دریایی» تشکیل شده است و نشان از همنشین بودن مردمان این شهر با دریاچه مرکزی ایران در زمان‌های دور دارد. به زواره که می‌رسید، چیزی که خیلی نمایان است، تمیزی شهر است و نشان از فرهنگ سازی خوبی است که در این زمینه انجام شده. لهجه مردمان زواره نزدیک است به یزدی‌ها، ولی اصطلاحات خاص خودشان را دارند و بسیار شیرین صحبت می‌کنند.

لذت پیاده روی در کویر سرخ و کوهستان برفی یک منطقه

زواره را به سمت نائین ترک می‌کنیم و به سمت کویر می‌رویم. کویر ماسه ای زواره در ۱۲ کیلومتری این شهر است و «کویر دق سرخ» حدود ۶۰ کیلومتر بیرون زواره. فرعی سمت چپ پس از ۱۴ کیلومتر خاکی ما را به دق سرخ می‌رساند. برای رسیدن به کویر دق سرخ و دیدن جلوه های زیبای این منطقه می‌توانید از روستای کریم‌آباد و روستای جهان‌آباد هم مسیر خود را آغاز کنید، ولی ما این راه را انتخاب کردیم. اینجا می‌توانید آسمان صاف و نزدیک به زمین را تجربه کنید و از پیاده روی لذت ببرید. بافت‌های کویری که شما دیده اید

و با آن آشنا هستید بیشتر ماسه زار است یا دریاچه نمک، اما اینجا که می‌رسید تا چشم کار می‌کند زمین صاف است بدون هیچ گونه عارضه طبیعی و در افق آسمان و زمین به هم پیوند می‌خورند. «دق» به معنای خاک کوبیده شده است. به عبارتی، سرخی خاک این منطقه سبب نام‌گذاری این کویر زیبا شده است.

سراب در هر سو ما را به سوی خود فرا می‌خواند

اینجا هیچ سایه ای نمی‌توانید بیابید؛ هیچ سرپناهی. در اینجا به یاد جمله معروف «خسی در میقات» می‌افتم و معنای آن را درک می‌کنم. کویر دق سرخ پتانسیل خیلی خوبی برای گردشگری دارد، اما کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. ساعتی در آرامش کویر پیاده روی می‌کنم و راهی می‌شوم به سوی مقابل به کوهستان. کوه های برفی دیان در جنوب این منطقه با ارتفاع ۲۹۴۴ متر جلوه دیگری از همراهی کوهستان و در یک سو و کویر در سوی دیگر است. این یکی دیگر از جاذبه های بی‌شمار ایران عزیزمان است.

پایگاهی برای طبیعت گردان در دامنه کوه

به سمت زواره که برمی‌گردیم، بعد از روستای «محمد آباد» که تنها آبادی مسیر است، یک آب انبار خرابه در سمت راست جاده می‌بینیم. جاده مقابل آن را گرفته و به سمت کوهستان مسیر خاکی ۳۰ کیلومتری را طی می‌کنیم تا به «ماریکوه» برسیم؛ عمارتی چهار فصل که انرژی بالایی به شما می‌دهد و در دره ای زیبا بنا شده. هر چند با ساخت و سازهای اینچنینی در دل فضای طبیعی موافق نیستیم، ولی این خانه - هتل سه طبقه

عکس مناره مسجد پامنار زواره

باشگاه خبرنگاران: زواره شهری در دل کویر است شهری که جاذبه های دیدنی آن اگر بیشتر از ایبانه و ماسوله و دیگر مقاصد گردشگری که آژانس های مسافرتی هر روز برایشان برنامه تور دارند نباشد، کمتر از آن ها نیست شهری که با تمام ساخت و سازها و تخریب هایی که جزء لاینفک معماری امروز ایران شده هنوز هم بافت خشت و گلی و زیبای خود را حفظ کرده است. شاید بتوان آن را یزد کوچک نامید اگر که یزد را با ابعاد گسترده ای در نظر بگیریم زواره مینیاتوری از یزد است که همه مختصات شهر یزد را در خود دارد این ویژگی ها شامل خانه های شش صغه باقی مانده و از دوره سلجوقی و چهار صغه های باقی مانده از دوره صفوی، مسجدی با شش منار به نام مسجد پامنار و دو مسجد جامع می شود. زواره شهری قدیمی بوده و مردم بومی زواره بر این باورند که شهرشان همانم زواره زابلی برادر رستم است و اردستان را هم پیش خودارگ رستم دستان می پندارند و بر این پندارند که روستای تلک آباد همان ترک آباد است که گواه وجود افراسیاب در محل و کشتزار شیگرد یا شگرد در شمال غربی دشت زواره به نام شیده پسر افراسیاب مبدل می سازند تاریکی از پهلوانان داستان های حماسی دیگر را به یاد آورد اما باور آن ها دوست باشد یا نباشد زواره یکی از قدیمی ترین سکونت گاه های ایرانیان بوده است.



«شهر و خرابه‌های ساسانی»، «مسجد جمعه» و «مسجد پامنار» زواره به شماره‌های ۳۷، ۲۸۳ و ۲۸۴ جزو اولین بناهایی هستند که در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده‌اند.

مهدی مشتاقی (کارشناس میراث فرهنگی)، ایسنا: مسجد پامنار زواره در قرن پنجم هجری (عهد مغول‌ها) توسط ابوعبدالله محمد ابن ابراهیم (دهدار وقت زواره) ساخته شده و دارای هفت محراب است. یکی از محراب‌ها به سمت بیت‌المقدس و شش محراب دیگر به سمت مکه طراحی شده‌اند که در اوایل انقلاب، محرابی که به سوی بیت‌المقدس ساخته شده بود تخریب شد و به یک سالن بزرگ برای اجتماع مردم در مسجد تبدیل گشت. در کنار این مسجد مناره‌ای قرار گرفته که دارای ارتفاعی بالغ بر ۲۴ متر است و به عنوان دومین منار تاریخ‌دار (دارای کتیبه تاریخی) کشور محسوب می‌شود. به احتمال بسیار زیاد مسجد پامنار ۲۰ سال زودتر از این منار بنا شده است. اکثر مساجد باستانی ایران به جای کاخ‌های ساسانیان یا معابد آنها بنا نهاده شده است و مسجد پامنار نیز بر همین اساس زمانی که اسلام به کشور وارد شد به جای یک آتشکده دوره ساسانیان بنا شد. کتیبه‌هایی بر روی ستون‌های درب ورودی مسجد وجود دارد؛ در خصوص نحوه اداره و تعداد موقوفات این مسجد توضیحاتی داده و از مهم‌ترین موقوفات این بنا می‌توان به ۱۲ حبه ده فرهنگ آباد سفلی اشاره کرد. قسمت‌هایی از مسجد پامنار در سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۸ به دلیل افزایش فضا تخریب شد تا بتواند جمعیت بیشتری را در خود جای دهد و به یک مرکز تجمع برای مردم زواره تبدیل شود.

عکس: هاشم علی‌زاده



عکس: هاشم علی‌زاده

به آدم می‌دهد. مسجد جامع زواره اولین مسجد چهارایوانی از دوران سلجوقی است. داخل مسجد غیر از گچ‌بری‌ها و آجرکاری‌ها و خط بنایی کوفی بسیار زیبای گنبد، شبستان، مهتابی‌ها، ایوان‌ها و بخش‌های مختلف مسجد چیز دیگری چشم را به خود خیره می‌کند و آن دیواری است که بین دو ستون در شبستان کشیده شده با رگه‌های گچ! عجیب است، ولی هست؛ دلیل آن را جویا که شدم، فهمیدم که چند سال پیش دیوار این سمت مسجد خراب می‌شود و بقیه مسجد را نیز به سمت خود می‌کشاند و مردم به دنبال یک مرهم فوری، داربست می‌زنند و بین دو ستون را دیوار می‌کشند و این است که وقتی به شبستان می‌نگرید، دیگر از ۴۰ ستون و فضاهای بین آن خبری نیست، بلکه ستون است و دیوار. بعد از ظهرها که می‌شود تاریخ‌های زنده این سرزمین دور هم

نیمه‌ساز که فقط فاز یک آن راه افتاده را دوست دارم؛ چرا که صاحبش آشنا به اصول طبیعت گردی است و تمام سعی خود را کرده که آسیبی به طبیعت زیبای دیان که نزد هیچ، نگاهبانی باشد برای مهاجمان حیات وحش! خانم عامری صاحب این خانه - هتل است که با عشق زیادی از تاریخ زادگاهش می‌گوید و میهمان نوازی می‌کند. او غیر از این خانه یک میهمانسرای سنتی و یک هتل سنتی هم بنا کرده که در همه ایام سال پذیرای میهمانان ایرانی و خارجی است.

دیوار عجیب میان شبستان مسجد جامع!

حالا به زواره برمی‌گردیم برای دیدن بافت قدیمی شامل بازار و حسینیه کوچک و حسینیه بزرگ، مسجد جامع و مسجد پامنار و یخچال قدیمی که حس و حال ایران سلجوقی و صفویه را

مهدی رفا‌ئی، مهر: وجود دو حسینیه قدیمی صفویه و قاجاری در پس کوچه‌های زواره با ۴۰۰ سال قدمت، نشان از عشق این مردمان سختکوش و خداشناس به واقعه کربلا و ائمه اطهار دارد که با برنامه ریزی دقیق احداث این بناها هنوز بعد از ۴ قرن فضای حسینیه‌ها جوابگوی نیاز مردم است. مجموعه بازار زواره به عنوان قطب اقتصادی شهر که کاروانسرا و مدرسه علوم دینی و امامزاده یحیی و مسجد کرسی و آب انبار نو و مدرسه لطف علی خان ترش‌ریزی نیز در آن واقع است نیز از اولین بناهای احداثی در زواره قدیم بوده. مقبره میر بهاء‌الدین از سادات طباطبایی که در حمله مغول شهید شده و حصار و یخچال زواره که برج و بارویی از دوران سلجوقی است و دارای چهار دروازه و دژ برای حفظ جان و مال مردم بوده به همراه سردخانه طبیعی برای حفظ مواد غذایی و انبار یخ از دیگر مناطق و مکان‌های دیدنی زواره به شمار می‌رود. خانه هشت بهشت یا نیری زواره با معماری حیرت‌انگیز و زیبا در دو طبقه و هشت ایوان داخلی با معماری متفاوت از خانه‌های زواره که برای عزاداری فاطمیه استفاده می‌شود نیز یکی از بناهای ثبت ملی زواره است. قلعه‌های سنگ بست و حکیم‌باشی در سه طبقه در بافت قدیمی زواره دارای اسطبل و انبار و قراولخانه و شاه نشین و برج‌های دیدبانی و اندرونی و مسکونی از نقاط جالب و چشم‌اندازهای زیبای زواره است که در کنار دیگر ابنیه این شهر نظیر برج‌های کبوترخانه و آب انبار باغبازان و پامانار و گنبد‌های عرفا و... جزء ۸۱ ابنیه‌ای به شمار می‌رود که به ثبت ملی میراث فرهنگی ایران رسیده است.

تکس: محراب مسجد پامنار زواره



تکس: نمای از کاخ امیرآباد



هایی هستند برای آنها که دنبال آرامش‌سند. از دیگر دیدنی‌های زواره می‌توان به جنگل‌های تاغ نزدیک زواره اشاره کرد که به شدت مستعد و مناسب است برای پرندگی؛ چرا که حضور جوندگانی چون جرد و جربیل و موش‌های صحرایی، حضور پرندگان شکاری همچون دلیچه و سارگپه و جغد را در آسمان آبی این جنگل‌ها سبب شده است. همین‌طور می‌توان به کاخ سرهنگ آباد و کاخ امیرآباد که مربوط به دوره قاجار هستند اشاره کرد که در صورت توجه و مرمت می‌توانند جاذبه‌های بسیاری برای گردشگران به نمایش بگذارند. البته بعد از بازدید دریاقتیم که به این زودی‌ها نمی‌شود آمیدی به مرمت این بناهای ارزشمند داشت. آرام آرام باید به سمت اصفهان روانه شد؛ هوا رو به تاریکی است و سفرهای بعدی ما را به سوی خود فرامی‌خوانند.

می‌نشینند و از هر چیز برای هم تعریف می‌کنند تا موقع نماز بشود و به مسجد بروند. با هر کدام از آنها که هم صحبت می‌شوم، بالهجه‌ای شیرین و رویی باز مرا به خانه خود دعوت می‌کنند.

تماشای شهر از بالای تک منار

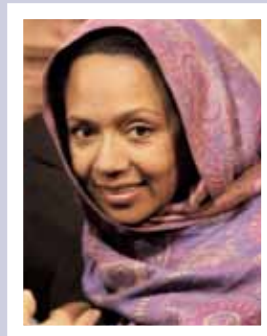
مقصد بعدی مادر زواره، مسجد تک مناره پامنار است که از دیرباز همچون فانوس‌های دریایی راهنمای مسافران کویر بوده است. این منار در دیگر سوی بافت قدیمی خودنمایی می‌کند؛ مسجدی بسیار کوچک با مناری بسیار بلند. بالای منار که می‌ایستی شهر زیر پایت است و همه جا را می‌بینی؛ چون اینجا خبری از ساختمان‌های بلند و آسمان خراش‌های دلخراش نیست. اینجا خاک و کاهگل و صفا و صمیمیت است که موج می‌زند. خوب است که هنوز چنین مکان

گفت و گوی اختصاصی گردشگر
با نایب رئیس فدراسیون بین‌المللی راهنمایان تور

سفر یعنی تنفس

سفر، زبان، هنر و زندگی از کانادا تا ایران

یک بار نصف شب در اتاق هتل از خواب پریدم. گیج بودم. زنگ زدم به رسیشن گفتم: «ببخشید آقا، یک سوال داشتم. فکر نکنید دارم مسخره‌بازی درمی‌آورم یا نصف شبی دیوانه شده‌ام! فقط به من بگویید الان در کدام کشور هستیم؟!» سفر جایگاه ویژه‌ای در زندگی «روی روی» دارد؛ چنان با زندگی‌اش آمیخته که خودش می‌گوید: «شبیبه نفس کشیدن است؛ مثل آب. بدون سفر، نمی‌توانم زندگی کنم». زندگی‌اش پر است از سفرهای کاری، تفریحی و آموزشی؛ سفرهایی که از یک روز تا هشت ماه طول کشیده‌اند. او البته تأکید می‌کند که همیشه طوری برنامه‌ریزی کرده که هشت ماه بیشتر از خانه‌اش در مونترآل دور نباشد. قراردادهای کاری‌اش را هم بر همین اساس تنظیم می‌کند. ۲۳ سال پیش، رویی کارش را به عنوان یک راهنمای تور در مونترآل کانادا آغاز کرده



و حالا نایب رئیس فدراسیون بین‌المللی راهنمایان تور است. او تا به حال به بیش از ۱۰۰ کشور سفر کرده و در سال ۲۰۱۲ به عنوان یکی از ۱۰۰ وبلاگنویس برتر دنیا در زمینه گردشگری انتخاب شده است. رویی در آخرین هفته از بهمن‌ماه برای چهارمین بار به ایران آمد. از تهران به مشهد و طر قبه رفت تا در هشتمین گردهمایی راهنمایان تور ایران شرکت کند. او در این سفر یک هدف عمده داشت و آن این بود که امکان میزبانی ایران برای کنوانسیون بین‌المللی راهنمایان تور در سال ۲۰۱۷ را بررسی کند. بعد از اینکه ایران توانست در پراگ از سنگاپور و دو کشور دیگر پیشی بگیرد و برنده رقابت میزبانی شود، او به عنوان بازرسی فدراسیون به ایران آمد تا ببیند آیا ما امکان برگزاری این کنفرانس را داریم یا نه. در این سفر، او در کارگاه پراگ برای شرکت‌کنندگان صحبت کرد، در نشست خبری به سوالات خبرنگاران پاسخ داد، همراه با گروه‌های مختلف به بازدید از جاذبه‌های دیدنی خراسان رضوی رفت و با راهنمایانی که از سراسر کشور به مشهد آمده بودند، گفت و گو کرد. در پایان آخرین روز حضور رویی روی در مشهد، با او همراه شدم تا درباره «سفر» صحبت کنیم. بعد از شام در رستورانی در طر قبه، تا موقع رسیدن به هتل برایم از زندگی‌اش گفت. گرم صحبت بودیم که به هتل طر قبه رسیدیم. در لابی شلوغ هتل، میان سلام و احوالپرسی با راهنمایان تور که در گوشه و کنار لابی، داشتند با همکارانشان حرف می‌زدند، صحبت‌مان را ادامه دادیم و رسیدیم به توصیه‌هایی که او برای راهنمایان تور ایران داشت. ترجمه گفت و گوی من با رویی روی، نایب رئیس فدراسیون جهانی راهنمایان تور و کسی که «سفر» تمام زندگی‌اش است، را در ادامه می‌خوانید.





کلیسای ناسی از شهر مونترآل کانادا

صحبت که می‌کردیم گفتید سفر سهم زیادی در زندگی‌تان دارد، چطور سفر این قدر برایتان جدی شد؟

بله، من کانادایی هستم. اهل مونترآل؛ بخش فرانسه زبان جزیره! سال‌هاست در حیطة سفر و گردشگری کار می‌کنم. سفر می‌کنم برای زندگی. از کودکی همیشه عاشق سفر بودم. اول با خانواده و بعد سفرهای مستقل را شروع کردم و به سمتی رفتم که سفر تمام زندگی‌ام شد. حالا به ۱۲ زبان صحبت می‌کنم؛ شش تا را به خوبی از جمله انگلیسی، فرانسه، عربی، هندی، روسی و بنگالی و بقیه را هم به طور متوسط می‌دانم.

معمولاً سفرهایتان چگونه است؟ همه‌شان کاری هستند؟

ببینید، بیشتر مردم تعریفشان از سفر این است که مقصدی را انتخاب کنند و دو، سه روز یا یک هفته در آن جا بمانند ولی من حالا سال‌هاست از آن مدل سفرها عبور کرده‌ام. وقتی ۲۰، ۲۲ ساله بودم این طوری سفر می‌رفتم ولی بعد به این نتیجه رسیدم که این طوری نمی‌توانم روح و زندگی واقعی آن مقصد را درک کنم و جای پایم را به جا بگذارم. بنابراین در سال ۲۰۰۲ نوع دیگری از سفر را آغاز کردم؛ مثلاً یک سال قبل از آنکه به ریاست فدراسیون بین‌المللی راهنمایان تور منصوب شوم، تصمیم گرفتم زبان عربی یاد بگیرم. بنابراین یک آپارتمان در قاهره اجاره کردم؛ جایی که در همسایگی‌ام هیچ کس انگلیسی نمی‌دانست و من هیچ چاره‌ای نداشتم به جز اینکه عربی صحبت کنم. برنامه زندگی‌ام این بود که هر روز صبح از خانه‌ام تا مدرسه پیاده می‌رفتم و در کلاس عربی شرکت می‌کردم. از آنجا می‌رفتم سر کار که یک شرکت مسافرتی بود. بعد از کار هم نوبت کلاس حرکات ریتمیک بود! من قسمتی از شهر شده بودم. حالا می‌توانم ادعا کنم هیچ کس مثل من نتوانسته قاهره را درک کند. بعد چون عربی می‌دانستم به عمان، سوریه، لبنان و خیلی از کشورهای دیگر هم رفتم. بعداً در هند (ریشه و اصل و نصب من به هند می‌رسد) هم همین‌طور بود. بعد از انقلاب مصر، من قراردادهای کوتاهی با کشورهای مختلف بستم در زمینه طراحی جلسات و برنامه‌ریزی کنفرانس‌ها. بنابراین کلکته هند را به عنوان پایگاه انتخاب کردم. چون پدرم بنگالی بود و فامیل‌هایی داریم که بخشی از سال را به هند می‌روند. بنابراین آنجا احساس راحتی می‌کنم. در هند من نوشتن یک کتاب را آغاز کردم؛ کتابی درباره پدرم. در مدتی که آنجا زندگی می‌کردم با کسانی که پدرم را زمانی که در هند زندگی می‌کرد، می‌شناختند صحبت کردم و اطلاعات زیادی درباره‌اش پیدا کردم. عکاسی و مستندسازی هم دو کار دیگری بودند که آنجا انجام دادم، بنابراین بدون اینکه قبل برنامه‌ریزی کرده باشم حاصل چند ماه زندگی در هند، انجام یک پروژه خیلی ارزشمند شد.

زبان هندی را هم در همان زمان زندگی در کلکته یاد گرفتید؟

نه، بعد از آن بود که تصمیم گرفتم هندی یاد بگیرم. باید جایی را انتخاب می‌کردم که عاشقش باشم و از زندگی در آنجا لذت ببرم. می‌دانی، من عاشق

کاخ و بناهای سلطنتی مربوط به شاه و ملکه و هر چیزی که به سلطنت مربوط باشد، هستم. مناطق بیابانی را هم دوست دارم. برای همین راجستان را انتخاب کردم. یک کلمه هم از زبان هندی نمی‌دانستم. یک تاکسی گرفتم و موفق شدم یک آپارتمان اجاره کنم. برای ۱۰ هفته هر صبح برای کلاس سه ساعته زبان به مدرسه می‌رفتم، بنابراین در پایان هفته اول یاد گرفتم بنویسم. در هفته دوم یاد گرفتم بخوانم و در هفته سوم آرام آرام کلمه‌ها در مغزم روشن شدند! دقیقاً به خاطر اینکه هر روز مجبور بودم از این زبان استفاده کنم و البته با خانواده‌هایی سر و کار داشتم که یک کلمه هم انگلیسی بلد نبودند. به هر حال برای من زبان، غذا و هنر هر کشور خیلی مهم هستند و حالا در شهرهای مختلفی، هم‌کلاسی و دوست دارم و جاهایی هستند که هر چند سال یک بار دوباره به آنها سر می‌زنم. زمان‌هایی که آزاد هستم هم معمولاً به کتابخانه‌های عمومی شهرها می‌روم و کتاب‌هایی را انتخاب می‌کنم تا نحوه شکل‌گیری و پیشرفت شهر را بفهمم. در ایتالیا هم همین‌طور بود. در فرانسه هم زندگی کردم و البته در لندن. اما لندن فرق داشت. نرفته بودم که زبان یاد بگیرم فقط برای دیدن آن فضاها و سلطنتی‌شان و البته سر زدن به فامیل رفتم. کوبا را به خاطر سالسا و اسپانیا را هم به خاطر فلامینکو رفتم. عادت دارم با هر شهر قربانی ایجاد و شهر را از آن خودم کنم.

این مدل سفرها که بیشتر به سمت زندگی می‌روند، چه حسنی دارند؟

وقتی این طوری به شهری سفر می‌کنم، بیشتر به جزیی از آن فضا تبدیل می‌شوم و بیشتر با مردم محلی هم‌ذات‌پنداری می‌کنم. در حالی که وقتی سفر کاری می‌روم برنامه سفر دست خودم نیست. برایم برنامه‌ریزی کرده‌اند که در هتل‌هایی مثل شیرایتون بمانم و در ساعاتی که آنها تعیین می‌کنند جلساتی داشته باشم. ولی وقتی خودم سفر می‌روم، قوانین خودم را دارم؛ مثلاً اینکه بیشتر وقتم را با محلی‌ها بگذرانم. غذاهای محلی بخورم. از اجناس محلی و سوپرمارکت‌های کوچک شخصی خرید کنم. اگر سوغاتی می‌خرم، از ساخته‌های همان محل باشد. می‌توانیم اسمش را بگذاریم گردشگری پایدار! باید طوری سفر بروید که در ذهن آدم‌های آن محل جایی داشته باشید. من همیشه می‌گویم من همیشه تاکید می‌کنم که توریست نیستیم، مسافر هستیم. من همیشه تلاش زیادی برای آموختن می‌کنم؛ مثلاً الان که برای کنفرانس به ایران آمده‌ام سعی می‌کنم حداقل کمی زبان فارسی یاد بگیرم.

دیدم که در این چند روز برای هر بازدید با یک اتوبوس همراه شدید و در مواقع مختلف با راهنماها صحبت کرده‌اید. وضعیت راهنماهای تور در ایران را چطور می‌بینید؟

در مورد راهنماهای تور چیزی نمی‌توانم بگویم، چون فقط یک راهنمای تور دیدم اما در مورد راهنمای توریست یا راهنمای محلی چرا می‌توانم بگویم که به هر

توجه: عطار ریشا پوری



برای کمک یا همکاری مثلا به سوریه سفر می‌کنند و این هم یک روش دیگر است برای اینکه جای پایتان را در مقصد سفرتان به جای بگذارید.

اصلا به نظر شما کار کردها و اهمیت سفر در چیست؟

اولین کاری که سفر برای شما انجام می‌دهد این است که چشمانتان را باز می‌کند. همیشه باید با چشمان باز و هوشیارانه سفر کنید و بتوانید خودتان را با همه شرایط مقصد وفق بدهید. ببینید من مجبورم روسری سر کنم. آیا از این کار لذت می‌برم؟! نه واقعا، ولی خوب فقط یک هفته است و من باید خودم را با شرایط وفق بدهم. به هر حال هیچ گردشگری نمی‌تواند خلاف فرهنگ و تاریخ یک کشور عمل کند و باید خودش را با شرایط تطبیق دهد؛ مثلا حتی در مورد زبان بدن باید خودتان را با فرهنگ کشور مقصد وفق بدهید؛ مثلا در کشورهای شرقی در دادگاه اگر متهم سرش را پایین بیندازد و مستقیم در چشمان قاضی نگاه نکند، نشانه ندامت و احترام است ولی معنای این حرکت در کشورهای شرقی این است که دارید دروغ می‌گویید!

شما به عنوان کسی که سال‌ها در زمینه راهنمای تور تجربه دارید و با راهنمایان تور کشورهای مختلف همکاری می‌کنید، چه توصیه‌هایی برای راهنمایان تور ایران دارید؟

اولین نکته این است که با گردشگرانی که به کشور، استان یا منطقه شما می‌آیند خیلی گشاده‌رو باشید و سعی کنید برای جلوگیری از هر گونه سوءتفاهمی برایشان توضیحات لازم را بدهید. در توضیح دادن دریغ نکنید، چون در غیر این صورت ممکن است شرایطی پیش بیاید که به او بر بخورد یا اتفاقی بیفتد که خاطره بدی در ذهنش به جا بگذارد؛ مثلا با این جمله شروع کنید که: «می‌دانم ممکن است خوششان نیاید ولی برای چند روزی که اینجا هستید لطفا...» حتی می‌توانید کمی در این مورد شوخی کنید یا کاری کنید که وفق پیدا کردن با این شرایط برایشان راحت و جالب بشود. باید توجه کنید که گردشگر از کدام کشور آمده. شرایط آنها را بدانید و بعد در مواقعی که شرایط شما با شرایط آنها فرق دارد، برایشان توضیح بدهید تا غافلگیر نشوند؛ مثلا بگویید شما معمولا در این مواقع، این طوری رفتار می‌کنید ولی در ایران باید این طوری رفتار کنید. البته به هر حال، توریست‌هایی که به ایران می‌آیند از آن مدل توریست‌ها که برای تفریح و خوش گذرانی به برخی کشورها و شهرهای ساحلی می‌روند، نیستند. بنابراین باید هوشمندانه با آنها رفتار کرد؛ مثلا اگر قرار است برای رفتن به اماکن مذهبی چادر سرشان کنند، برایشان توضیح بدهید که چطور باید با چادر راه بروند که زمین نخورند. یا اینکه مثلا در برخی از کشورها مردم از پلیس می‌ترسند، بنابراین وقتی در خیابان پلیس‌های زیادی ببینند احساس عدم امنیت می‌کنند. همه این تفاوت‌ها و تضادهای فرهنگی را باید برای گردشگران توضیح داد و روشن کرد.

حال همه ما شهر و کشورمان را دوست داریم. و در مورد برنامه‌ریزی و برگزارکننده تور، می‌توانم بگویم من یک ایرانی را در این زمینه می‌شناسم که به کانادا هم سفر کرده بود. او مورد قبول بود ولی مطمئنم که در این زمینه آموزش ندیده بود.

این سفر چطور بود؟

در واقع، من هنوز خیلی ایران را ندیده‌ام. با اینکه این چهارمین بار است که می‌آیم ولی همیشه تهران بوده‌ام. فقط این بار توانستم شهرهای بیشتری را ببینم، ولی کلا من با ایرانی‌ها بزرگ شده‌ام و الان در این سفرها تازه دلیل برخی از رفتارهایشان را می‌فهمم و هر بار می‌گویم: «آهان! پس دلیلش این بود». بچه که بودم درباره عمر خیام چیزهای زیادی می‌خواندم و حالا که در این سفر روبه‌روی بنای یادبودش در نیشابور ایستادم، تازه فهمیدم چرا آن شعرهایش را می‌خواندیم! در حالی که اهمیتش را زمانی که ۱۶۰۱۷ ساله بودم متوجه نمی‌شدم. خیلی چیزهای کوچک دیگر هم بودند که در این سفر متوجه شدم؛ مثلا اینکه زعفران کلا یک گل نیست، بلکه آن بخش درونی گل است که باید حتما پیش از طلوع آفتاب چیده شود و گرنه مزه‌اش از بین می‌رود. خیلی چیزها هستند که فقط می‌توانیم از طریق صحبت کردن با مردم محلی آنها را متوجه شویم و البته اینکه در این سفر متوجه شدم که چه قدر فرهنگ ایران در جهان گسترش یافته است.

ایران را از منظر گردشگری چه طور می‌بینید؟

ایران از جنبه‌های مختلف برای جهان رازآمیز و جذاب است. مخصوصا به خاطر فرهنگش، به همین دلیل هم مردم جهان کنجکاوند که این کشور را از نزدیک ببینند. این روزها مردم به صورت متفاوتی سفر می‌کنند. آنها همیشه دنبال جاهایی می‌گردند که ناشناخته‌اند. البته گروه‌های مختلفی از گردشگران را داریم؛ دسته اول کسانی هستند که زیاد سفر نمی‌کنند و خوب چون خیلی می‌شنوند که ایران امن نیست، معمولا این مقصد را انتخاب نمی‌کنند. ولی دسته دوم که ریسک‌پذیرند، می‌گویند بگذار برویم ببینیم چه می‌شود! ولی در کل برای هر کشوری مهم است که صنعت گردشگری‌اش را رونق ببخشد، چون گردشگری صنعتی است که سریع‌ترین رشد را دارد و خوب ایران هم دارد در این راه قدم برمی‌دارد، ولی باید این حرکت سریع‌تر شود. رازآمیز بودن ایران دو جنبه خوب و بد دارد؛ کسانی مثل من هستند که از چیزهایی که درباره این کشور در اخبار و رسانه‌ها می‌گویند، نمی‌ترسند؛ مثلا من با وجود همه حرف‌های منفی، اینجا هستم. ولی مردم معمولا فراموش می‌کنند که سیاست و مردم از هم جدا هستند. از طرفی ما گردشگران ماجراجو داریم که دوست دارند کشورهایایی را ببینند که معمولا همه نمی‌روند. بعضی‌ها هم هستند که دقیقا می‌خواهند به کشورهایایی که خیلی به عنوان مقصد گردشگری حساب نمی‌شوند و با مشکلاتی درگیرند بروند و کمکی بکنند این افراد هم گردشگر محسوب می‌شوند، ولی قصدشان تفریح نیست بلکه



عکس روی روی و راهنمایان تور ایران در اختتامیه هشتمین گردهمایی راهنمایان تور ایران

می دادند و نه به مقصد و مسیر گردشگری، اینها فقط به فکر زیاده‌روی در خوردن و وقت تلف کردن بودن. و خوب همه این‌ها اقتضای سن است. هر چه سن آدم بالا می‌رود، از وقت تلف کردن و فکر کردن به خوردن و خوراک دور می‌شود و چیزهای دیگری برایش اهمیت پیدا می‌کنند. از طرف دیگر در مورد ایران، حقیقت این است که انواع مختلف هتل‌ها را نداریم و مشکل سرویس‌های بهداشتی هم هست. من خیلی غافلگیر شدم از اینکه دیدم در بهترین هتل تهران، فقط سه توالت زنانه نزدیک سالن کنفرانسی که حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ نفر ظرفیت داشت، وجود دارد. که دو تا از آنها هم تالت ایرانی بودند. این نکته مهمی است. من سابقه کار کردن در هتل‌ها با ۱۰۶۰ اتاق را دارم با اتاق کنفرانسی به گنجایش هزار نفر. آنجا ۲۰ توالت زنانه و ۲۰ توالت مردانه داشت. من آنجا تحقیقی بر روی مدت زمانی که زنان و مردان در دستشویی می‌مانند انجام دادم و فهمیدم این مدت برای زنان بیشتر است، بنابراین تعداد دستشویی‌های زنانه می‌بایست بیشتر باشد و تازه وقتی توالت شرقی باشد، این مدت زمان بیشتر هم می‌شود. این فقط یک مثال بود، اما خیلی نکته مهمی است. نکته بعدی این است که مذهب در ایران نقش پررنگی دارد و این شرایط خاصی را به وجود آورده؛ مثلاً من تا آخرین لحظه نمی‌دانستم که بالاخره به ایران می‌آیم یا نه و خوب وقتی آمدم، فقط دو پیراهن بلند داشتم که یکی‌شان را پوشیدم، چون اصولاً از پیراهن‌های بلند خوشم نمی‌آید. وقتی به فرودگاه تهران رسیدم، یک خانم چادری با عصبانیت به من نزدیک شد و چیزهایی گفت که نفهمیدم. بعد فهمیدم می‌گوید «چرا لباس بلندتری نپوشیده‌ام؟» من گفتم که خوب لباسم که کوتاه نیست! و من مال اینجا نیستم. و او گفت «من از کجا بدانم تو خارجی هستی و از جنوب ایران نیامده‌ای؟!» و خوب اگر کسی دیگر به جای من بود از این اولین برخورد حتماً می‌ترسید.

احتمالاً اشکال از آموزش‌هاست. باید آموزش‌های خاصی در این مورد داده شود.

بله، البته ولی خوب اگر واقعا می‌خواهید که توریست‌ها به ایران بیایند، همه مردم ایران باید این هدف را دنبال کنند و بخواهند که این اتفاق برای گردشگری کشور بیفتد.

برای خوانندگان مجله ما توصیه گردشگرانه‌ای دارید؟

مهم‌ترین چیزی که می‌توانم بگویم این است که هر چه بیشتر سفر کنید، بهتر است. من فکر می‌کنم سفر یک نوع آموزش است که از هیچ راه دیگری نمی‌توانید به نتایج آن دست پیدا کنید. اصلاً قابل مقایسه با کتاب خواندن و دیدن فیلم و... نیست. راه‌های مختلف و ارزانی هم برای تجربه سفر هست و اگر علاقه مند سفر هستید نباید منتظر چیزی بمانید باید حرکت کنید. من همه چیز در جهان را رها می‌کنم اگر به من بگویند دیگر نمی‌توانی سفر کنی. سفر برای من نفس کشیدن است، نوشیدن آب است.

اگر بخواهید چند مورد عجیب که در سفرهایتان به کشورهای مختلف با آنها برخورد کرده‌اید را نام ببرید، آنها چه چیزهایی هستند؟

موارد عجیب و غیرعادی؟!... اولین چیزی که حساسی من را عصبانی می‌کند و نمی‌توانم تحملش کنم این است که مردم در خیابان آشغال بریزند. چیزی که در هند، چین و مکزیک خیلی وجود دارد. همین اواخر من در منطقه ساحلی بسیار زیبایی بودم که محل مناسبی برای یوگا و توریسم سلامت بود، اما در نزدیکی این محل جایی برای سوزاندن زباله‌ها بود که بوی خیلی بدی داشت. بعد از اینکه غذای گیاهی‌ات را می‌خوردی و از آرامش ساحل لذت می‌بردی، وقتی از خیابان ساحلی می‌گذشتی با این بو مواجه می‌شدی که تمام فضا را پر کرده بود. دومین چیز عجیبی که باعث می‌شود از کوره به در شوم، بوق زدن‌های ممتد و آلودگی صوتی است که در بیشتر کشورهای آسیایی (کمتر در ایران) دیده‌ام. و سومین نکته هم حمل و نقل ماشینی است. وقتی به شهری می‌روی که پر از وسایل حمل و نقل موتوری است که باعث آلودگی هوا هم می‌شوند، حساسی ناراحت‌کننده است. این درست برعکس مدل زندگی ماست. من سعی می‌کنم پیاده روی و دوچرخه سواری کنم و از مترو به جای اتومبیل شخصی استفاده کنم. یادم هست که یک بار در هند به یک نفر که داشت در خیابان زباله می‌ریخت، گفتم همه ما روی یک سیاره زندگی می‌کنیم، بنابراین وقتی تو آلودگی ایجاد می‌کنی و پلاستیک را در محیط زیست می‌ریزی، ممکن است پنج سال بعد اثرش را من در زندگی ام، آن سر دنیا در کانادا بینم؛ بنابراین در کل هر نوع آلودگی، من را عصبانی و ناراحت می‌کند و نمی‌توانم تحملش کنم.

چیزی که این روزها ما در ایران می‌بینیم این است که تعداد توریست‌هایی که در رده سنی ۵۰ تا ۸۰ سال هستند نسبت به توریست‌های جوان بسیار بیشتر است. به نظر شما چرا اینگونه است و برای جذب توریست‌های چه باید کرد؟

اینکه چرا توریست‌های جوان کمتر به ایران می‌آیند، یک دلیل ساده دارد؛ اینکه وقتی ۱۵، ۱۸ تا ۲۵ ساله هستید، دوست دارید درباره فرهنگ‌های مختلف بیشتر بدانید، ولی فقط این نیست. دوست دارید خوش گذرانی کنید و خوب در این مورد ایران هنوز امکاناتی را فراهم نکرده است. فعلاً فقط کسانی که به اماکن تاریخی و میراث فرهنگی علاقه مندند، ایران را برای سفر انتخاب می‌کنند. من زمانی تورهای ۱۸ تا ۳۵ سال را مدیریت می‌کردم. در این مدل تورها؛ مثلاً حدود ۵۰ گردشگر داشتم که همه با موتور به یک مقصد گردشگری می‌رفتیم. می‌توانم بگویم بخشی از آنها واقعا به خاطر دیدن جاذبه‌های گردشگری آمده بودند شب‌ها زود می‌خوابیدند تا صبح زودتر بیدار شوند و جاهای بیشتری را ببینند، اما تعدادی دیگر فقط می‌خواستند بخندند و خوش گذرانی کنند. دسته سوم هم بودند که اصلاً نه به گروه اهمیت

سفر به ساری در اردیبهشت ماه

دوباره اردیبهشت به دیدنت می‌آیم!

بازدید از سد سلیمان تنگه، چشمه‌های باداب سورت،
جمعه بازار جویبار و روستای ماچکه پشت

هر بار که به ساری برمی‌گردم، سعی می‌کنم جزء جزء این منظره‌های را که لابد خیلی‌ها فقط در عکس‌های تقویم‌های خارجی از دهکده‌های آلپ و سوییس دیده‌اندش نفس بکشم و جایی در وجودم ذخیره کنم. از عطر هوش‌یر بهار نارنج، که اتمسفر دایمی هوای اردیبهشت است تا سمفونی پایان‌ناپذیر جیرجیرک‌ها که وقتی بچه بودم فکر می‌کردم صدای بک‌گراند بهار و تابستان همه جای دنیاست. واقعا پی بردن به وجود بعضی چیزها، جز با نبودنشان ممکن نیست.

برای خیلی از ایرانی‌ها، «شمال» از بابلسر و آمل و نور و محمودآباد شروع، و به نوشهر و چالوس و شهبسوار و رامسر ختم می‌شود. چه بهتر که این‌طوری قشنگی شهر ما بعد این همه سال دست‌نخورده و بی‌بزرگ مانده. اما اگر بین خودمان می‌ماند، از وصف‌العیش بگذرید و اردیبهشت ساری را از دست ندهید؛ آن جنگل‌های انبوه و باشکوه جاده‌ی کیاسر که سکوتشان هولی هم به دل آدم می‌اندازد و آن شالیزارهای طبقه‌طبقه‌اش روی تپه‌ها، یا چشمه‌های باداب سورت ادامه همین مسیر، که آب‌های رنگی‌اش را هیچ‌جای دیگر ندیده‌اید. سد سلیمان تنگه را خیلی‌ها بهتان توصیه می‌کنند و می‌روید، اما غیر از آن، اگر اهل «نیرو و راستی» هستید، می‌توانید اذان صبح از هر جایی در میانه‌های شهر با دوچرخه راه بیفتید و طلوع آفتاب را کنار دریا تماشا کنید. جمعه بازار جویبار هم - که این سال‌ها به خاطر پلنگ‌های کشتی‌گیرش در کشور اسم و رسمی برای خودش به هم زده - از قلم نیندازید.

شاید چیزی نخرید، اما به خصوص در بازار قصاب‌هایش چشم‌تان به چیزهایی باز می‌شود که فکرش را هم نمی‌کرده‌اید. به قول خود محلی‌ها «جوبار» نیم ساعتی بیشتر با ساری فاصله ندارد و تازه حیفاست اگر روستاهای بین راهش (مثل «ماچکه پشت») را از قلم بیندازید. راستش الان که هی تعریفشان را کردم، دل خودم هم تنگ شد. به قول علی صالحی، «دوباره اردیبهشت به دیدنت می‌آیم!»

شفیعی کدکنی گفته: «در نشابورم و جویای نشابور هنوز». راست می‌گوید. آدم تا وقتی به شهر خودش «سفر» نکند، نمی‌فهمد کجا زندگی می‌کرده. و گر نه ممکن است هفت سال، از پایان کودکی تا آغاز جوانی‌ات در مدرسه‌ای روی تپه‌ای بلند بوده باشی و هیچ حس نکرده باشی وقتی از حیاطش رو به شمال می‌ایستادی، قاب پیش روی چشم‌ت را چه جواهری پر می‌کرد: اول منظر پریده‌رنگ تپه‌هایی پوشیده از بوته‌های تمشک و ولیک، بعد شالیزارهای پر از قورباغه و لاک‌پشت و مارهای کوچک در راه‌آبه‌های کناریشان که می‌شد رنگ تفریح را با آنها سر کرد، جلوتر جاده پر از ماشین و اتوبوس و تریلی و تراکتور و تیلر و پشت‌بندش ریل راه‌آهن، بعد تا چشم کار می‌کرد دشت‌های سبز و زرد و قهوه‌ای و اخراپی وسیع که گله‌به‌گله با گاو و گوسفندهایی که سر از پیش پا بر نمی‌دارند تزیین شده و دست آخر، آن دور دور جایی که زمین و آسمان به هم می‌رسند، آبی دریا که گره خورده به نیلی روی سرش. صبح‌ها، وقتی اتوبوس سرویس مدرسه از روی پل رودخانه «تَچَن» رد می‌شد، اگر ابرهای انبوه می‌گذاشتند و افق روبرویت صاف بود، فقط کافی بود سرت را به راست بچرخانی تا دماوند را ببینی که زیر نور آفتاب بامدادی، چه شکوهی دارد. و اگر از در مدرسه به قدر پانصد قدم... نه، حتی به قاعده صد قدم دور می‌شدی، پا به «جنگل» می‌گذاشتی. یک جنگل واقعی، که معلم‌ها مجبور بودند تو را از گرگ و خرس احتمالی‌اش بترسانند تا جلوی ورودت به آن را بگیرند. این‌ها توصیف صحنه یکی از انیمیشن‌های هاپائو میازاکی نیست. مدرسه‌ای که هفت سال از گار شنبه تا پنجشنبه می‌رفت - راهنمایی و دبیرستان شهید بهشتی ساری در ۵ کیلومتر ۵ جاده‌ی نکا - بندبه‌بند همه این ویژگی‌ها را داشت. اما باید تا بیست سالگی، تا وقتی برای ادامه تحصیل به تهران آمدم صبر می‌کردم تا ببینم و بفهمم‌شان. تا قبل آن، صبح‌ها به جای تماشای دماوند چشم روی هم می‌گذاشتم تا دست کم چند دقیقه‌ای قبل شروع مدرسه بیشتر خوابیده باشم. حالا اما





گزارش سفر به دریاچه‌های باداب سورت و جنگل چورت

آرامش در دریاچه‌های رنگین

دریاچه‌های پله‌کائی آهکی و رنگین از آمریکا و چین تا ترکیه و ایران

بهار بی هیچ بحثی، فصل سفر است. مخصوصا اگر اهل طبیعت‌گردی در ایران باشید، از نیمه فروردین تا نیمه خرداد نمی‌توانید فکر سفر را از ذهنتان خارج کنید. اینکه آدم چند ساعت، چند روز یا حتی چند هفته برود در دل طبیعت، میان جنگل، نزدیک دریا، حتی بالای کوه و کمی به چشم‌ها و گوش‌ها و ذهنش استراحت بدهد، جزو ضروریات زندگی پردغدغه و پراسترس ما انسان‌های شهرنشین امروز است و خوب چه بهتر که بهار باشد و همه چیز در اعتدال! برای این سفرهای بهاره سه چیز لازم است؛ وقت آزاد، ملزومات سفر و همسفر خوب. هر منطقه‌ای را که انتخاب کنید، اگر این سه باشند، مزه سفر برای همیشه زیر دندانتان خواهد ماند. سفر باداب سورت برای من یکی از همین سفرها بود؛ سفری برای دیدن دریاچه‌های رنگین و پله‌کائی و زندگی در قلب جنگل.

از دریاچه‌های دماوند تا دریاچه‌های رنگین ساری

داستان سفر دو روزه باداب سورت برای من از یک سفر دیگر شروع شد. تقریباً یک سال قبل تر از آن، به دوستانم گفته بودم از بی‌آبی زاینده رود حال حساسی گرفته و احتیاج دارم دقیقاً همین آخر هفته بروم یک جای سرسبز که دریاچه یا دریایی داشته باشد. یکی از دوستان، تور یک و نیم روزه دریاچه‌های تار و هویر را پیشنهاد کرده بود و همه پذیرفتند. من اما بعداً فهمیدم این دو دریاچه در بخش کویرهای ایران دسته بندی می‌شوند! با این همه ناامید نشدم و سفر خوبی را با یک شب کمپینگ کنار دریاچه تجربه کردیم. خلاصه اینکه در راه رفتن به این دریاچه‌ها، راهنمای تور از همسفران خواست هر کدام چند پیشنهاد برای مقاصد گردشگری بدهند. میان پیشنهادات این ۲۰ نفر، دو اسم خیلی تکرار شدند؛ «سوباتان» و «باداب سورت». اسم‌های خاصشان بود یا تعریف‌های آن گردشگران، هر چه بود این دو اسم را در ذهنم ماندگار کرد. البته دیدن یک گزارش مالتی مدیا درباره «کاپادوکیا»ی ترکیه هم دلیل دیگری بود برای اینکه یک سال بعد، برسم به صفحه «تور یک و نیم روزه باداب سورت» در یکی از وبسایت‌های آژانس‌های طبیعت‌گردی. زمان، هزینه، مقصد گردشگری، همه چیز همان بود که می‌خواستیم، بلیط را آنلاین گرفتیم. یک ناهار و یک شام آماده کردم و راه افتادم. مبدا حرکتان شمال تهران بود. ساعت پنج صبح!

راهنمای عملی رسیدن به باداب سورت

چشمه‌های باداب سورت در محدوده روستای اروست در دهستان پشت کوه، بخش چهاردانگه شهرستان ساری استان مازندران قرار دارند. برای رسیدن به این جاذبه‌های طبیعی، مسیرهای مختلفی دارید. اولین مسیر از سمنان، مهدشهر، شه میرزاد، فولاد محله و سه راه تلمارد به روستای اروست و چشمه‌هایش می‌رسد و ۱۴۵ کیلومتر است. مسیر دوم از ساری، کیاسر و سه راه تلمارد به این چشمه‌ها می‌رسد و ۱۰۹ کیلومتر است. می‌توانید خودتان با ماشین راه بیفتید و به سمنان یا ساری برسید و از آنجا به سمت چشمه‌ها بروید. می‌توانید در روستای اروست یک خانه یا ویلا اجاره کنید و شب را در خانه‌های محلی بگذرانید. ساعت بازدید از چشمه‌ها از شش صبح تا غروب آفتاب است؛ بنابراین برای شب‌مانی باید جایی را انتخاب کنید. در اینترنت که جست‌وجو کنید، به وبسایت «منطقه نمونه گردشگری باداب سورت» که به تازگی راه اندازی شده، می‌رسید و به جز اطلاعات، دسترسی و توضیحاتی درباره دریاچه می‌توانید به صورت آنلاین خانه یا ویلا در نزدیکی چشمه‌ها اجاره کنید. اما راه دیگر هم این است که در یکی از تورهای طبیعت‌گردی ثبت نام کنید. باداب سورت یکی از مقاصد مورد علاقه تورهای گردشگری و طبیعت‌گردان است و تورهای یک و نیم تا چند روزه که بین ۱۵۰ تا ۳۰۰ هزار تومان متغیرند را می‌توانید به دلخواه انتخاب کنید. درست عین کاری که ما انجام دادیم.

سفر دریاچه‌های باداب سورت ساری/عظیم رضا نامدانه



در رنگین‌ترین چشمه‌های دنیا با احتیاط قدم بزنید

از تهران که حرکت کردیم، سمنان اولین توقفگاه ما بود. راهنمای تور، یک هتل را برای خوردن صبحانه انتخاب کرده بود. بعد از صبحانه، سفر رسماً شروع شد! چند ساعت بعد به صحبت و خاطره‌گویی جمعی اختصاص داشت. از مهدیشهر، شه‌میرزاد، فولاد محله و سه راه تلمادره گذشتیم و رسیدیم به روستای اروست، پای یک کوه یا شاید تپه! از دامنه تا بالا ۲۰ دقیقه بیشتر نبود. کمی کوهنوردی کردیم، رسیدیم بالای کوه و مواجه شدیم با یک منظره وسیع رنگی. کوه روبه‌رو میان مه گم شده بود و درست جلوی پایمان دریاچه‌های نارنجی، کرم، آبی، قرمز و زرد چشمک‌گسترده شده بودند. راهنمای تور گفت: «به همه توصیه می‌کنم حتماً کفش‌هاتونو در بیارین و چند دقیقه توی حوضچه‌ها راه برین.» و خودش اولین نفر بود که این کار را کرد. آب هر حوضچه دما و رنگ خاصی داشت. حوضچه‌های بالایی وسیع‌تر بودند، اما همانطور که پایین می‌رفتید، حوضچه‌ها جوان‌تر و کم‌عمق‌تر می‌شدند. راهنمای محلی پسر نوجوانی بود که قبل از اینکه هوس پا به آب زدن به سرمان بزند صدایمان زد، در کنار حوضچه‌ها ایستاد و توضیح داد که از این مدل دریاچه‌ها در چند منطقه محدود جهان وجود دارد. یکی همینجا در نزدیکی سمنان، یک نمونه در کاپادوکیای ترکیه و البته در آمریکا کمی در حوضچه‌ها راه رفتیم. پسر نوجوان فریاد زد: «روی لبه حوضچه‌ها نرین. چند صد سال طول کشیده تا اینا تشکیل شدن.» هوای بالای تپه خنک‌تر از پایین بود. داشت سردمان می‌شد ولی نمی‌توانستیم از این حوضچه‌های رنگین با آب‌های گرم و سرد و ولرمشان، دل بکنیم.

بازدید از دومین اثر طبیعی ملی ثبت شده ایران

نزدیک به دو ساعت آن بالا میان حوضچه‌ها و روبه‌روی منظره طبیعی شگفت‌انگیزش ماندیم. حوضچه‌ها تا پایین کوه ادامه داشتند ولی از جایی به بعد ما دیگر نمی‌توانستیم جلو برویم، چون دره بود. حجمی از مه و سبزی کوه روبه‌رو بود. نمی‌توانستیم دل بکنیم از این زیبایی رنگین. بعد کم‌کم آمدیم پایین تپه. میان راه هم راهنمای تور حوضچه‌های کوچک‌تر ماری شکل را نشانمان داد و در مورد نحوه شکل‌گیری و خواص هر کدام توضیح داد. ماجرا این است که باداب سورت سه هکتار است از شمال به ارتفاعات و تپه‌های پوشیده از جنگل‌هایی با درختان سوزنی برگ می‌رسد، از جنوب مشرف به دره‌های پایین دست و از شرق در مجاورت ارتفاعات پوشیده از گیاهان بوته‌ای و درختچه‌هاست. از غرب هم روستای اروست احاطه‌اش کرده. چشمه‌های زیبای باداب سورت اروست از ۱۴ چشمه با آب‌های کاملاً متفاوت از لحاظ رنگ، بو و مزه و خواص درمانی هستند. در همه فصول می‌توانید به این چشمه‌ها بروید ولی خب بهار و تابستان دیدشان در کنار سرسبزی و زیبایی طبیعی مناطق اطراف لذت‌بخش‌تر است. این چشمه‌ها در سال ۸۷ به عنوان دومین اثر طبیعی ملی ایران به ثبت رسیده‌اند و قرار است به زودی ثبت جهانی و خواهرخوانده چشمه‌های پاموکاله ترکیه هم بشوند. بعد از توضیحات راهنما، از کوه پایین آمدیم، ناهار را در دامنه کوه خوردیم و سوار مینی بوس شدیم تا شب را در جنگل چورت (میانسه) و در کنار دریاچه زیبایش که در قلب جنگل بود، بگذرانیم.

صعود تا قلب جنگل با وانت

اگر برای رفتن به دریاچه‌های باداب سورت، تورهای گردشگری را انتخاب کنید، معمولاً دریاچه چورت و تالاب الندان را هم شامل می‌شوند. ما هم از باداب سورت به سمت روستای چورت حرکت کردیم. روستای چورت (میانسه) جایی میان ساری و گیلان، دیگر چندان هم روستا نبود، این را در آن برخورد اول از نوع لباس پوشیدن و آرایش مو و صورت جوان‌ها می‌توانستید نتیجه بگیرید. از ون پیاده شدیم و منتظر ماندیم تا وانت‌ها برسند و ما را به مقصدی که میان جنگل بود، ببرند. وانت‌ها پشت سر هم از کوه بالا رفتند. هوا کم‌کم خنک می‌شد و صدای جنگل و هیجان ما ۱۲ نفر بیشتر، و رسیدیم به نقطه‌ای که دیگر وقت پیاده شدنمان بود. ما درست در دو قدمی قلب جنگل بودیم! ماشین‌ها پشت سر هم ایستادند. باران خوبی آمده بود و انگار قرار به ادامه هم داشت، چون درست شبیه کلاردشت، نم باران ریز ملایم را می‌توانستید روی گونه‌هایتان حس کنید. کوله‌پشتی‌ها و کیسه‌خواب‌هایمان را برداشتیم. راهنماها چادرها، زیراندازها، وسایل صبحانه فردا و بقیه ملزومات را از ماشین‌ها پیاده کردند و ما هر کدام، هر چه را می‌توانستیم برای کمک به آنها برداشتیم و با این همکاری، ۲۰ ساعت زندگی آرام و خوب در جنگل چورت، رسماً آغاز شد. در یک خط پشت سر هم راه افتادیم؛ صف میهمانان جنگل که هر کدام یک کوله، یک زیرانداز، یک کیسه خواب و البته تک و توک، یک چادر مسافرتی حمل می‌کردیم. اولین شوک دریاچه بود. یک دریاچه آبی آبی جایی میان جنگل که اصلاً انتظارش را نداشتیم. این آبی آرام و سبز و حسی با سکوتی که تو را فرامی‌گیرد را با صدای ریز پرنده‌ها و قورباغه‌ها پیوند بزنید تا احساس بینابینی از ترس، هیجان، بهت، شادی و آسودگی را درک کنید.



عرصه، حریم و ضوابط حفاظتی این چشمه‌ها مشخص شده و هرگونه دخل و تصرف در محدوده حریم و تخلف از ضوابط حفاظتی بر خورد مجرمانه قضایی دارد ولی هنوز هم قدم زدن و آب تنی در دریاچه و جدا کردن سنگ‌هایش رخ می‌دهد و آسیب‌هایی را به این جاذبه طبیعی منحصر به فرد وارد می‌کند.

این روزها فعالان طبیعت‌گردی با یک دغدغه مهم در مورد دریاچه‌های باداب سورت روبه‌رو هستند؛ اینکه بازدیدکنندگان و حتی مردم محلی به این دریاچه‌ها که متعلق به دوره چهارم زمین‌شناسی هستند، آسیب نرسانند و سفرهای طبیعت‌گردی باعث از بین رفتن این میراث گرانبهای طبیعی نشوند. البته سال گذشته،

کمپ را کنار دریاچه برپا کنید

چادرها را دورتر از دریاچه برپا کردیم. راهنمای اصلی گروه دلش می‌خواست درست کنار دریاچه کمپ بزنیم و شب وقتی دید دو کمپ دیگر زودتر اقدام کرده‌اند حساسی دمق شد! ترجیح دادیم کمی دورتر، کمی بالاتر، مشرف به دریاچه، کمپ را جابجایی کنیم. راهنما با خنده گفت: «دعا کنین شب بارون نیاد و گر نه مجبوریم تا صبح در کنار هم اوقات خوشی را سپری کنیم!» ما خندیدیم و به یک شب بیدار باش میان جنگل فکر کردیم! تاکید راهنمای جوان، بر همکاری بود و شب اصلاً همه ما از تجربه تورهای قبلی، یاد گرفته بودیم که اساس تورهای طبیعت‌گردی بر همکاری، همدلی و اتحاد است برای همین وقتی راهنما گفت: «کیا چادر زدن بلدن؟» هیچ کس هیچ جوابی نداد! و او بلافاصله مژده داد که مشتاق است این کار سهل و ممتنع را به همه‌مان یاد بدهد. همه با هم چادرها را برپا کردیم. زیراندازها را انداختیم و وسایل را در چادرها جا دادیم. مسوولان تور شروع کردند به آتش روشن کردن و ما رفتیم کنار دریاچه. غروب، سکوت و دریاچه میان جنگل، درست همان چیزی است که هر آدمی حداقل یک بار در طول یک سال، دو سال، یا شاید چند سال، احتیاج دارد تجربه‌اش کند!

با صدای دار کوب‌ها بیدار می‌شویم؟!

از پیش از غروب تا ساعت ۱۰ شب به خاطر تعریف کردن و بازی پانتومیم کنار آتش و شام خوردن گذشت تا اینکه راهنما توصیه کرد زود بخوابیم، چون فردا پنج صبح با صدای دار کوب‌ها از خواب می‌پریم! ۵:۲۰ دقیقه صبح فردا، اما صدای هیچ دار کوبی به گوشم نرسید، از خواب پریدم، چون کیسه خوابم جواب سرمای جنگل را نداد و این هم شب تقصیر فروشنده لوازم سفر بود که وقتی گفته بودم می‌خواهم بروم جنگل و یک شب کمپینگ داریم، گفته بود: «همین که دستتونه جواب می‌ده. اون یکی برای جاهای خیلی سرده؛ مثلاً منفی ۲۰ درجه و این‌ها». شانس آورده بودیم و شب باران نگرفته بود یا حداقل باران شدید نیامده بود. سرما ولی طبیعی بود. صبحانه گرم کنار دریاچه در سکوت جنگل، وقتی هیچ صدای موسیقیایی نچسبی از کمپ‌های کناری نمی‌آید، همان چیزی است که روز آدم را می‌سازد. تخم مرغ، کره، عسل، پنیر، خامه، گوجه و خیار با نان محلی خوب، بسته پیشنهادی پرفروش راهنماها برای یک پیاده‌روی سه ساعته میان جنگل بود! حدود ساعت ۹ چادرها و وسایل را جمع کردیم و تا جایی که وانت ایستاده بود، بردیم. بعد برگشتیم تا با وسایل سبک دستی‌مان سه ساعت پیاده‌روی

در جنگل را شروع کنیم؛ یک پیاده‌روی آرام در حالی که راهنمای دوم در مورد پوشش جانوری و گیاهی جنگل برایمان می‌گفت و هر چند دقیقه یک بار مکث می‌کرد، جایی را نشان می‌داد و می‌پرسید: «اون پرند رو دیدین؟! اون بالا، روی شاخه اون درخت». در میانه این جنگل‌پیمایی سه ساعته خدا را شکر کردم که کفش مناسب پوشیده‌ام و گر نه حتماً یا کفشم در گل می‌ماند یا مچ پایم آسیب می‌دید. برای این سفر بی‌شک یک کفش کوهنوردی خوب لازم دارید. نزدیک دهکده که رسیدیم، صدای هل‌هل بلند شد؛ ده چورت، عروسی را به خانه بخت فرستاده بود. از راه سبز کنار باغ‌های مردم دهکده و تپه‌های روستا گذشتیم و رسیدیم داخل دهکده؛ جایی که باید به سختی از آن همه سرسبزی و آرامش دل می‌کندم و برمی‌گشتیم.

راهنمای عملی رسیدن به دریاچه چورت

دریاچه ۲،۵ هکتاری میانسه (چورت) در میان جنگل‌های نزدیک روستایی به همین نام ناگهان پدید آمده، ۳۵۰ کیلومتر با تهران فاصله دارد. می‌گویند بعد از زلزله سال ۱۳۲۰ ساری، زمین لرزه‌ها و رانش زمین و بسته شدن مسیر آب چشمه‌ای که همان حوالی هستند، این دریاچه را در شکاف دره‌ای با شیب زیاد، میان جنگل به وجود آورده. حالا این دریاچه را به عنوان «خواهر خوانده دریای خزر» می‌شناسند و دور تا دورش پر از درختان بکر و قدیمی است. گاهی هم که آب دریاچه پایین می‌رود درختان دیگری از زیر آب بالا می‌آیند. برای رسیدن به دریاچه میانسه دو مسیر مختلف دارید؛ اولی مسیری است که از ساری تا روستای تاکام می‌رود و بعد ۱۹ کیلومتر به سمت شرق و ۱۵ کیلومتر در مسیر جاده‌ای که به روستای چورت می‌رسد ادامه دارد. از آنجا به بعد بهتر است مثل همه تورها، یک راهنمای محلی بگیرید، ۱۰ کیلومتر تا بالای کوه بروید و بعد جایی میان جنگل، نزدیک دریاچه را برای کمپ زدن انتخاب کنید. مسیر بعدی از سمنان، شه‌میرزاد، فولاد محله و کیاسر به روستای چورت می‌رسد و طول مسیر نزدیک به ۲۰۰ کیلومتر از سمنان است. اگر با ماشین شخصی می‌روید، می‌توانید برنامه ریزی کنید که دریاچه‌های باداب سورت (در ۸۰ کیلومتری این محل)، سد سلیمان تنگه (در ۵۰ کیلومتری دریاچه) و دریاچه عباس آباد (در ۱۲۰ کیلومتری منطقه) را هم ببینید. و شب اصلاً تورهای طبیعت‌گردی، بازدید از دریاچه چورت را در قالب «تور چشمه‌های باداب سورت تا دریاچه چورت» یا «تور دریاچه چورت و دریاچه الندان» و یا «آب گرم لاریجان، باداب سورت و دریاچه چورت» ارائه می‌کنند.

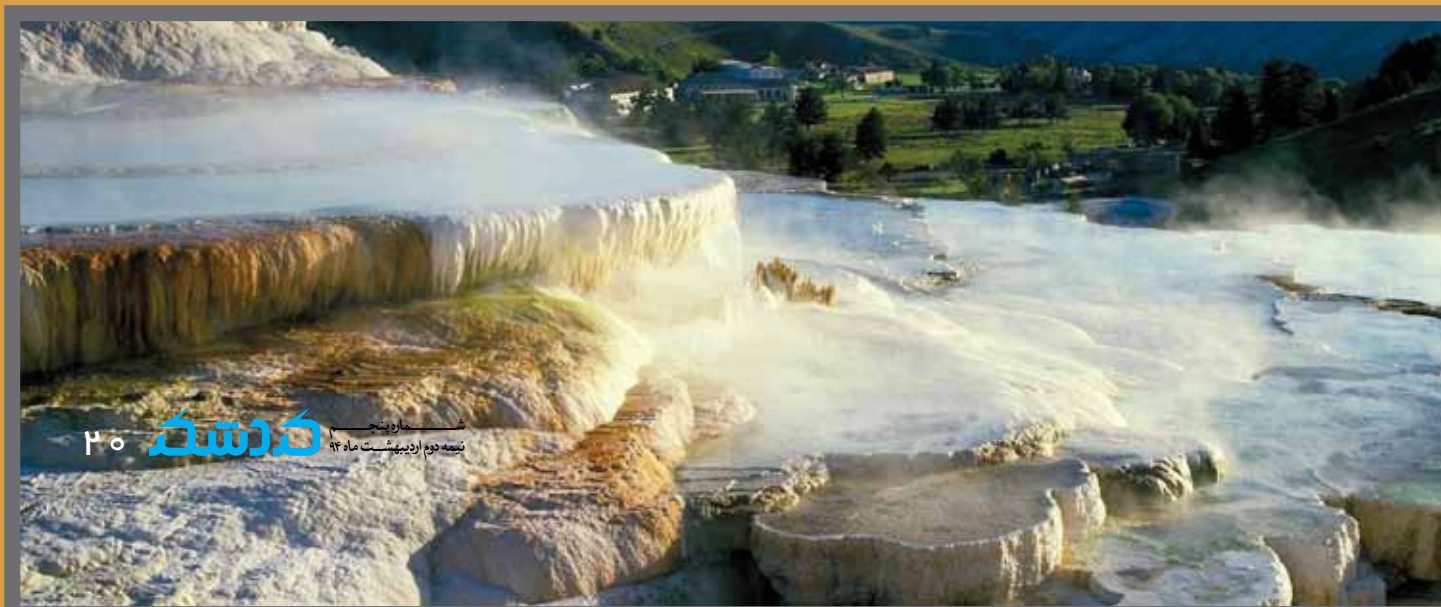


متغیر است. رسوبات و سنگ‌های آهکی این دریاچه‌ها، سفیدرنگ‌اند و منظره زیبایی را به وجود آورده‌اند. در نوک قله‌اش استخری هم دارد که به استخر آرزوها معروف است و همین جاست که گردشگران سر و روی خود را با مواد معدنی و گل و لای سفید و مقوی حوضچه‌ها می‌پوشانند و به انتظار خواص درمانگر آن می‌نشینند. پاموکاله از سال ۱۹۸۸ به عنوان یکی از آثار و مکان‌های تاریخی در فهرست میراث جهانی یونسکو هم به ثبت رسیده است. انتخاب بعدی علاقه مندان ایرانی دریاچه‌های پله‌کائی، هوآنگلانگ است که در شمال غربی استان سیچوان چین واقع شده و به «ژدهای زرد» معروف است. در این منطقه جذابیت‌های مختلفی از جمله آبشار، غار، برکه و دشت ماسه‌های طلایی هم به جز دریاچه‌های رنگین آهکی وجود دارند. انتخاب چهارم هم دریاچه‌های ممت است که برای دیدنشان باید تا پارک ملی سنگ طلایی در آمریکا بروید.

اگر مشتاقید دریاچه‌هایی پله‌کائی و رنگین با خاصیت درمانی را از نزدیک ببینید، چهار انتخاب بیشتر ندارید: دریاچه‌های ممت (Mammoth Hot Springs) در آمریکا، پاموکاله (Pamukkale) در ترکیه، هوآنگلانگ (Huanglong) در سیچوان چین و دریاچه‌های باداب سورت (Badab-e Surt) در ایران. از همه نزدیک‌تر باداب سورت خودمان است! بعد از آن پاموکاله ترکیه را با تورهای آژانس‌های گردشگری ایران، ببینید. به این منطقه که در شهر دنیزلی (در جنوب غربی ترکیه و دو ساعته آنتالیا) واقع شده، لقب «قلعه سفید پنبه‌ای» داده‌اند: دریاچه‌های پله‌کائی آبی و سفید که حس برف و یخ را به ذهنتان متبادر می‌کنند، ولی اصلاً نباید فکر کنید که منطقه سرد و یخبندان است؛ چرا که در بیشتر فصول سال، آب و هوای معتدلی دارد. در پاموکاله ۱۷ حوضچه طبیعی آب گرم وجود دارد که دمایشان از ۳۵ تا ۱۰۰ درجه



عکس دریاچه‌های پاموکاله ترکیه



عکس دریاچه ممت آمریکا

راهنمای سفر از اصفهان به جنگل چورت و دریاچه های باداب سورت

با قطار تا دریاچه‌ها

دریاچه‌های پله‌کانی آهکی و رنگین از آمریکا و چین تا ترکیه و ایران

برای سفر به روستای چورت، جنگل‌های کیاسر و دریاچه میانسه (دریاچه جنگلی چورت) راه‌های متفاوتی هست؛ اصفهان-تهران-آمل (جاده هراز)-ساری و بعد به سوی کیاسر و جاده فرعی روستا. اصفهان-قم-گرمسار-فیروزکوه-پل سفید-ساری. اصفهان-قم-گرمسار-سمنان-مهدی-کیاسر-جاده ساری و در منطقه خال خیل به جاده روستا می‌رسید. اما مسیری متفاوت و البته از لحاظ زمانی طولانی‌تر هم وجود دارد که پیشنهاد می‌کنم حداقل یک بار تجربه‌اش کنید؛ سفر به ساری با قطار اصفهان-تهران.

عکاسی در قطار و دیدن پل ورسک

قطار اصفهان حدود ۵ صبح به تهران می‌رسد و بعد، سه ساعت فرصت استراحت دارید. حتی می‌توانید قطارهای زغال سنگی قدیمی که برای تماشای روی ریل هستند را تماشا کنید و بعد حدود ساعت ۸ صبح با قطار به سمت ساری بروید که دو سری واگن اتوبوسی و کوبه‌ای دارند. در طول راه پنجره را باز کنید و از مناظر طبیعی مسیر هم لذت ببرید. از کوبه‌های استان سمنان می‌گذرید و بعد از کوهپایه‌های جنوب رشته کوه البرز وارد منطقه فیروزکوه می‌شوید. اولین ایستگاهی که بعد از کوبه می‌تواند نظر شما را جلب کند، ایستگاه فیروزکوه است. از داخل قطار میدان‌ها و خیابان‌های شهر پیداست و می‌توانید آنها را ببینید. زمان توقف طولانی است و می‌بینید که لوکوموتیوها در حال تردد هستند. علت این تردد، اضافه کردن یک لوکوموتیو دیگر به قطار شماسست، بله، از اینجا قطار با دو لوکوموتیو کشیده می‌شود و علت آن وجود شیب‌های تند در مسیر است. با حرکت قطار وارد مناطق کوهستانی می‌شوید و از اینجا به بعد معمولاً مسافران در کنار پنجره‌های قطار ایستاده به تماشای مناظر زیبا مشغولند. بعد از فیروزکوه در ایستگاه‌های مختلف توقف دارید، اما دو ایستگاه آن جذاب است؛ در ایستگاه ورسک اولین پل راه آهن ایران که توسط مهندسی آلمانی و در زمان پهلوی ساخته شده را می‌بینید و در ایستگاه پل سفید، می‌توانید برای رفتن به آشپز گزو از قطار پیاده شوید. در طی مسیر از تونل‌های متعددی گذر می‌کنید که اگر اهل عکاسی باشید، می‌توانید در هنگام ورود و خروج تونل‌ها و حتی داخل آنها عکس‌های خوبی بگیرید. حدود ساعت ۱۵:۳۰ به مقصد می‌رسید، به ساری که رسیدید، می‌توانید یک سواری در دست بگیرید و به روستای چورت بروید. ورودی جاده روستا بسته است، آن هم توسط یگان حفاظت اداره منابع طبیعی برای حفاظت جنگل‌ها. اما ورود مسافران و افراد محلی آزاد است. آخرین روستا در این جاده روستای چورت است. در آنجا می‌توانید پیاده شوید، شب را در یکی از خانه‌های محلی روستایی که معمولاً قدیمی و چوبی با ایوان‌های زیبایی رو به جنگل هستند، بگذرانید، یا یک وانت کرایه کنید و به سمت دریاچه از جاده ای‌خاکی ادامه مسیر دهید. اما اگر قصد جنگل‌پیمایی و برپایی کمپ در کنار دریاچه دارید، پیشنهاد می‌شود از روستا تا دریاچه را با همکاری راهنماهای محلی کوله‌کشی کنید؛ چرا که مناظری خواهید دید که در هیچ جای دیگر برایتان تکرار نمی‌شوند. ضمن اینکه از نزدیک با گیاهان، جانوران و آرامش منطقه و حتی صدای اژه برقی قاقاچچیان چوب آشنا می‌شوید! صحبت از جانوران شد؛ ترس برتان ندارد، شما شاید فقط آثار آنها را ببینید. مثلاً درختان آلوی جنگلی که توسط خرس‌ها شکسته شده برای خوردن آلو یا پرندگان جنگلی. از درخت افرا تا دریاچه راه زیادی باقی نمانده است. زمانی که به دریاچه می‌رسید، زیبایی آن شما را تحت تأثیر قرار خواهد داد. از زمان‌های بسیار جذاب و دیدنی دریاچه، زمانی است که آب آن کم می‌شود و باقیمانده‌های درختان از آب بیرون می‌آیند. دو روز سنگینی را پشت سر گذاشته‌اید. کمپ را برپا و استراحت کنید.



عکس دریاچه چورت، علیرضا دامازاده

از بوته‌های زرشک تا مار دوسر!

چشمه‌های باداب سورت، دومین اثر ملی طبیعی ثبت شده ایران هستند. اگر قصد بازدید از چشمه‌های معدنی باداب سورت را دارید، می‌توانید با ماشین‌های محلی هماهنگی قبلی انجام دهید و به سوی کیاسر حرکت کنید. بعد از گذر از کیاسر، به محل ایست بازرسی می‌رسید که دقیقاً روبه روی کلانتری جاده‌ای به سمت اورست (Orost) و چشمه‌های معدنی وجود دارد، بعد از پل اورست جاده خاکی می‌شود و وقتی که به پای چشمه‌ها رسیدید، باید کمی از کوه بالا بروید. دیدن حوضچه‌های پلکانی و دریاچه‌های کوچک در بالای آنها، همینطور در فصل تابستان شنا در این دریاچه بسیار لذت بخش است. معمولاً مسافران برای لجن درمانی و استفاده درمانی از آب این حوضچه به داخل آن می‌روند. می‌توانید از قبل اطلاعاتی از این چشمه‌ها و خواص درمانی هر کدام از آنها با جست‌وجو در اینترنت پیدا کنید، اما برای حمایت از مردم محلی و همینطور گرفتن اطلاعات بیشتر از راهنماهای محلی استفاده نمایید. میلاد، یکی از راهنماهای محلی این چشمه‌هاست که به صورت خودجوش به حفاظت از این چشمه مشغول بود. هر کدام از این چشمه‌ها خاصیتی دارند و شکل‌های مختلف، که مردم محلی برای هر کدام نامی گذاشته‌اند. مثلاً چشمه «مار دوسر». نکته‌ای که لازم به تذکر است، شکننده بودن این منطقه و حساسیت آن است. اگر قصد بازدید از این محل را دارید، از شما درخواست می‌شود که به هیچ وجه وارد چشمه‌ها و حوضچه‌ها نشوید؛ چرا که تشکیل این پله‌های زیبا میلیون‌ها سال طول کشیده و تشکیل یک سانتی‌متر مکعب از این دیواره‌های آهکی صدها سال به طول می‌انجامد، که با ورود افراد در کسری از ثانیه تخریب خواهد شد. در این منطقه می‌توانید گیاهانی با برگ‌های سوزنی را ببینید و جنگل‌هایی کم تراکم و کم باران. در نزدیکی چشمه‌های باداب سورت بوته‌های زرشک وحشی است، ولی پیشنهاد می‌شود که به آنها دست نزنید؛ چون خوراک حیوانات وحشی منطقه است و هم برای تولید بوته‌های بیشتر بهتر است به طور طبیعی این کار انجام شود. برای برگشت به اصفهان می‌توانید هم با ادامه جاده به سوی سمنان و گرمسار و ... به اصفهان برگردید، هم به ساری رفته و ضمن بازدید از برج ساعت و مکان‌های دیگر این شهر و همینطور صرف یک وعده نهار در یکی از رستوران‌های خوب شهر، لذت‌گشت در شهرهای شمالی را بچشید و بعد از تهیه بلیت اتوبوس مستقیم از ساری به اصفهان برگردید که حدود ۱۴ ساعت در مسیر خواهید بود.



گزارش تصویری از رسیدن عشایر به سمیرم

زندگی در سفر

گزارش تصویری حمیدرضا نیکومرام |

سمیرم این روزها میزبان چهار طایفه قشقایی است که به همراه یک میلیون رأس دام از برازجان در بوشهر به سمت اصفهان آمده‌اند. امسال به دلیل گرم بودن هوا، عشایر زودتر از موعد کوچ کرده‌اند و برای رسیدن به سمیرم ۵۰ روز را در راه گذرانده‌اند. بچه‌های کوچک را با ماشین فرستاده‌اند که رنج راه را کمتر متحمل شوند، اما زنان و مردان عشایر سوار بر اسب‌هایشان مسیر بیابان را زندگی کرده‌اند.





مختار اسفندیاری (معاون مدیریت امور عشایر استان اصفهان) / مهر:
عشایر قشقایی ۲۰ روز پیش از موعد مقرر هر سال به استان اصفهان وارد شدند و این امر، درگیری‌هایی را پشت مرزهای سمیرم به وجود آورد. مشکل کم آبی از سال ۸۶ تاکنون گریبانگیر عشایر استان اصفهان بوده و هر سال این شرایط نسبت به سال گذشته بدتر می‌شود. در این راستا با استفاده از تانکرها آبرسانی به این عشایر انجام می‌شود. ورود قانونی عشایر قشقایی به استان اصفهان باید از اول خرداد ماه آغاز شود و این در حالی است که در سال جاری عشایر ۱۰ اردیبهشت علی‌رغم مخالفت‌های قبلی پشت مرزهای استان بودند. خشکسالی و کمبود علوفه در استان‌های فارس، بوشهر و کهگیلویه و بویر احمد دلیل اصلی ورود زودهنگام عشایر به استان اصفهان بوده است.



علی محمد یوسفی باصری (مدیر کل امور عشایر استان اصفهان) / ایستا: در حال حاضر عشایر حدود یک و دو دهم درصد جمعیت استان اصفهان را با تعداد پنج هزار و ۳۰۰ خانوار تشکیل می‌دهند، اما با وجود همین رقم اندک حدود ۲۵ درصد از گوشت قرمز استان را تولید کرده و مالک یک سوم دام‌های استان هستند. عشایر کوچ روی استان شامل سه گروه هستند که ایل بختیاری با جمعیت چهار هزار و ۱۰۰ نفر در دو شهرستان فریدون شهر و چادگان و ایل قشقایی با جمعیت پنج هزار و ۳۰۰ نفر در سه شهرستان شهرضا، سمیرم و دهاقان زندگی و کوچ می‌کنند. بیلاق دو ایل بختیاری و قشقایی در استان اصفهان است، اما برای عشایر جرقویه این استان حکم قشلاق را دارد، به عبارت بهتر در فصل زمستان آنها در مراتع جرقویه هستند. حدود دو میلیون راس دام در عرصه‌های مراتع به ویژه در غرب و جنوب غرب استان در مالکیت عشایر است و آنها دارای پروانه یک میلیون و ۲۵۰ هزار هکتار از مراتع هستند. کل اراضی زیر کشت عشایر ۲۲ هزار هکتار است که فقط در ۱۶ هزار هکتار آن کشت و زرع شده و سالانه ۴۲ هزار تن محصول مانند گندم، جو و ... از آن برداشت می‌شود و علاوه بر این سالانه ۹۵ هزار تن محصولات باغی نیز توسط عشایر تولید می‌شود که برای نمونه می‌توان گفت که یک سوم باغات سیب سمیرم متعلق به همین گروه است.



محمد حسین طاهری (رییس اداره منابع طبیعی شهرستان سمیرم) / تابناک: زمان ورود عشایر به مناطق بیلاقی سمیرم ۲۵ اردیبهشت ماه است. کوچ زود هنگام عشایر به بیلاق تخلف محسوب می‌شود. بر اساس قانون عشایر کوچ‌رو، باید همه ساله ۱۵ اردیبهشت ماه از محل قشلاق حرکت و در ۲۵ اردیبهشت ماه نیز وارد مناطق بیلاقی شوند. این برنامه از سال ۱۳۹۳ به تصویب رسیده است. علاوه بر جریمه نقدی، پروانه چرای عشایری که زودتر از موعد وارد مناطق بیلاقی شوند، باطل خواهد شد. جلوگیری از ورود زودهنگام عشایر به بیلاق بیشتر با هدف حفظ پوشش گیاهی مراتع و اینکه مرتع به حد بلردهی برسد، انجام می‌شود. سخت‌گیری‌های منابع طبیعی بیشتر به نفع عشایر است و بر همین اساس همکاری و تعامل آنها با اداره منابع طبیعی باعث حفظ مراتع می‌شود.



But my suggestion is that don't miss visiting Sari during Ordibehesht (May), you will not eliminate the daunting and magnificent forests in Sari, straticulate paddy fields in the hills, Badab-e-Surt springs, the straits of Soleyman Dam, Friday Market in Jouybar.

Zavareh, the Town of History and Desert Travel to the Sasanian Empire, the Seljuks and the Qajaryan Dynasty

Travelogue, Mehdi Goli: Zavareh is situated twelve miles from Ard-estan on the very edge of the desert. It was a lively town in the XIIth century, but today it is almost a small town. It has retained to some extent its original urban layout and its yellow color which turns pinkish at sunset. Zavareh is one of the archaic towns with a famous Jame' mosque which is said to be a fire-temple in the pre-Islamic period. In addition to which, there are four pilgrimage sites here. The architectural effects of this town also prove extremely interesting. Here, there are some strong reasons to travel to Zavareh:

■ **Zavareh Jame's Mosque:** An inscription in the entrance stucco dates this Seljuk-era mosque to 1135-1136, making it the first known dated mosque constructed according to a four-porch (iwan) plan in the post-Islamic Iran.

■ **Pa Minar Mosque:** The minaret makes part of a Seljuk mosque, which has been restored during the Il-Khanid period.

■ **Zavareh's Kariz (Qanat):** This Qanat dates back to 5000 years ago, is a network of underground canals which brings the water from distant water resources.

■ **Daghe-Sorkh (red hill) Desert:** It is located in the south of Kavir desert and north of Zavareh. In local language "Dagh" means "crushed soil" (khak-e kobide). The name of desert comes from the color of that. Haloxylon (tagh) forests are one of the tourist attractions and most important sand dune stabilization factor.

Decamping Nomads

Photo Report, Hamidreza Nikoomaram:

Nomads or in other words the migratory tribes in Iran play an important role in the production of dairy and agricultural products and handicrafts. Most of their products are organic and totally natural. Now the tribes are about 1.2 percent of the population in Isfahan Province. This month, Nomads arrived in Semrom located near Isfahan. Anybody interested in nomads life, could visit this region and experience their life. In this month's Gardeshgar issue you can see a photo review of their life-travel!



Photo by HamidReza Nikoomaram

**A Guide to Travel to Badab-e Sourt Natural Spring and Camping Near Choret Forest Lake
Visit the Second National Heritage Site of Iran!**

Travelogue, Nafise Hajati: Undoubtedly, Spring is a travel season, especially for the ecotourism in Iran! If you want to visit one of the most amazing phenomenon in the world, let me introduce you Badab-e Sourt springs and Choret forest where we visited and enjoyed alot! The Badab-e Sourt Natural Spring is located south of Sari and is considered one of the most incredible sights of the region. It is at the west of Orost village. People swim in the spring and believe its water is useful for curing back aches, rheumatism and skin diseases. Badab-e Sourt's terraces are made of travertine, a sedimentary rock deposited by flowing water from the two distinct mineral springs. They were formed during Pleistocene and Pliocene geological periods. Over the course of thousands of years, water from Badab-e Sourt springs, which flow from the mountain, have combined to create a number of orange, yellow and red colored pools shaped as a natural staircase. There are similar sites in the US (Mammoth Hot Springs), Turkey (Pam-

mukkale) and China (Huanglong). The Badab-e Sourt Spring has been registered as a national heritage site.

After visiting these amazing springs you could continue your travel to Choret Lake that lies in Choret forest, quite near the village of the same name, some place between Sari and Gilan! When you go to the forest, you are abruptly surprise by confronting a light blue lake in the middle of the forest where you never expect to see such things! This calm blue and wild green brought to you a silence and the delicate symphony of birds and frogs to understand a moderate feeling of amazement, fear, joy, and peace!

Travel to Sari on Ordibehesht

May I come back to see you on Ordibehesht!

Travel advise, Ehsan Emadi: As long as every person does not travel to his hometown, he does not understand where he used to live! Now it is a long time that I've been away my city, Sari and now I could recognize the beauty of green, ochre and yellow fields and herds of sheep and cattle herds with a clear sky in front of my eyes takes another color. For many Iranians the north of Iran begins from Babolsar, Noor and Mahmudabad and ends to Ramsar.



with full enthusiasm, while reporting with loving devotion of the traditions and architecture of Xerxes and others. The amazing tombs of Naqsh-e Rostam can be found six kilometres north of Persepolis and they are so huge, that one can see them raising at the horizon from far away.

Desert and cities in Iran: Dasht-e Kavir desert

This great salt lake desert is located in the Iranian highlands between the Zagros Mountains in the southwest and the Alborz mountain range in the north and can seem incredibly surreal with its oppressive silence and the driest air. In addition, some smaller pieces of sand dunes reach to the great salt flats and are surrounded by old caravanserais and many straying camels. One should rather avoid a journey through the 166,000 square kilometres big Dasht-e Lut desert south of the Kavir in the summer months, as the temperature of Iran's largest desert can increase to about 70 degrees, no joke! Otherwise, a visit to the eroded wind mountains called the Kaluts is worthwhile.

Bam & Rayen: Cities of Clay

And then there are the famous citadels of Iran. Particularly worth visiting are the cities of Rayen and Bam, that offer the most beautiful Clay fortresses of the country. The latter was destroyed almost

to the ground by the devastating earthquake in Bam in 2003. Since then, hundreds of archaeologists are busy building up the mud walls of the venerable Arg-e Bam again. A trip to one of the most important cultural monuments of Iran is still worth the effort. One of the most unique cities in Iran is Bam with the famous citadel of Bam. However, my favorite fortress is the other one: the citadel of Rayen. It is located about 150 kilometres northwest of Bam and was remained mostly untroubled by the century earthquake. The Arg-e-Rayen once stood in the shadow of mother-Arg-e-Bam citadel for a long time.

Qeshm Iceland: Nature wonderland at the strait of Hormuz

Pure nature and a touch of Monument Valley: Qeshm Island is located in the Persian Gulf; it is a free trade zone and therefore a year-round destination especially for wealthier Iranians. Do not miss the impressive Canyon, or "Valley of Stars" as it is called by locals, a Canyon only built by shift of plates, water and wind. Especially worth visiting for outdoorsman and bird lovers is the Hara mangrove forest on the north coast of Qeshm Island, which is not only popular by tourists, but also beloved by migratory birds. The incredible biodiversity can be great for a one-hour excursion with a fishing boat, although this comes out not to be very cheap.

Interview with a traveler, vice president of WFTGA Traveling is like breathing!

The vice president of World Federation of Tourist Guide Association (WFTGA), Ruby Roy, who was invited to attend the 8th World Tourist Guide Day celebration in Mashhad as a special guest, as well as to evaluate Iran's readiness to host the federations' convention in 2017, spoke with the Persian-English Gardeshgar Travel Journal about her life as a traveler and the tourism industry infrastructure and facilities in Iran. Roy is from Canada, Montreal and she basically work in travel and tourism and emphasized that she is travelling for living. She said: "I would give up everything in the world if you tell me not to travel! for me it's like breathing or drinking water". Roy pointed to her life and said "I speak 12 languages, 6 fluently (hindi, Arabic, English, French, Russian, Bengali). Food, travel and art are the most important reasons of my travels". Asked about her travels and she said: "people travel in different ways. Mostly they travel to a place for less than a week but I've done that when I was 20 or 22! Staying in a region for 2, 3 days you don't necessary get a feel of how is the life of the region and you don't leave anything behind! "This is exactly why Rubi Roy chose another way of travelling. She said: "I decided to become a part of the place. no body, understand the region in a way I do because I lived it!" so she lived in India both to write a book about her father and to learn hindi. Also she is interested in kings, queens, palaces, anything that has to do with

royalty so she also lived in London for some months. Also she traveled to and lived in Italy, France, Cuba (to learn Salsa), Spain (to learn Spanish and flamenco). She said: "I'm not a tourist I'm a traveler!

I put a lot of effort into learning!" Asked to advice the Iranian tourism industry

to better exploit its potential, she said: "Iranian tourism syndicates and tour guide associations have adopted the right policy in work and advertising." However, she emphasized this is not a one-man show and calls for close collaboration of a large groups of individuals and organizations in both state and private sectors. The cultural heritage organization, its tourism deputy, hotel management, and transportation sector need to cooperate for the industry to function more effectively.

The WFTGA official who herself is an experienced tour guide commented on Iran's security for travelers: "The existing image of Iran's security is completely incorrect. I have felt absolutely safe and secure in all my four trips and this has encouraged me to come back to Iran."





One almost gets the impression that at any moment Luke Skywalker could pass by on a futuristic air vehicle. In fact, the old city of Yazd is almost completely made of sun-dried clay that ensures for a pleasant coolness inside the houses and for a light brown skyline from the outside that is dominated by the Badgirs, ancient wind towers rising from almost every roof in the desert sky. Originally built at an oasis, the Mud City of Yazd is one of the oldest cities in Iran – the UNESCO even claims that Yazd would be the “oldest adobe city in the world”. And besides the water museum, the Friday Mosque (Masjed-e Jameh) and the Ateshkadeh Fire Temple, the imposing Zoroastrian Towers of Silence just outside the city centre are also worth a visit. You can reach them in 15 minutes by taxi. However, the best thing to do in Yazd is strolling along the winding streets of the old town, where one feels a little bit like on an alien planet.

Kashan: Iran for newbie

The oasis city of Kashan, just north of the metropolis of Tehran, is a good introduction for first-visitors to the country and my little insider tip besides the better-known sights and cities in Iran. In addition to the extremely photogenic Agha Bozorg Mosque, it comes up with a small but nice bazaar including an impressive caravanserai called Khan Amin al-Dowleh Timche. Especially a visit to the 1000 m² big Sultan Amir Ahmad Bathhouse is worth a visit, a historic bathhouse from the Safavid period in the 16th century (The Persian name is “Hamam-e Sultan Amir Ahmad”). Tip: Make sure to climb up to the roof, from where you have a stunning view over Kashan. It is also worth visiting one of the traditional houses that were built in the 18th century, such as the Tabatabaei House (Khan-e Tabatabaei) or the Ameri House. Kashan also comes up with one of the oldest and most famous Persian gardens, the Bagh-e Fin, called the “Fin Garden”. Also Kashan is the perfect starting point for a trip to the Dasht-e Kavir desert (see below).

Shiraz: The city of poetry

Shiraz is the capital of the central southern province of Fars and is regarded as the city of love, gardens and great poets, led by the major poets Hafez (who even Johann Wolfgang von Goethe once adored) and Sa’di. Today, their graceful mausoleums, tomb of Hafez and tomb of Sa’di, in splendid extensive attract legions of Persian visitors. Even if the name of the city suggests otherwise, Shiraz is not a city full of delicious red wine. Because just like anywhere else in Iran, alcohol strictly is prohibited. Persepolis: the pride of the ancient Persians When it comes to attractions in Iran who really no Iran-traveler should miss, you definitely have to name Persepolis. The former capital of the Achaemenid Empire is now one of the most impressive ancient sites worldwide. It is unclear, however, why the UNESCO waited until in 1979 to declare it a World Heritage Site. In fact, the remains of a large resort with its huge pillars, walls and stairways, with amazingly well preserved and very detailed elaborate reliefs let no doubt about the former glory of this city. Anyone who comes here should be sure to book one of the local guides who lead through the ruins

Travel costs in Iran are medium!

Iran is a medium-priced travel destination, depending of course on your own way to travel. In my opinion one can do backpacking Iran at 25 Euros a day. The most expensive part is the hotels depending on your choice. Double room in a traditional Guest House (mostly with breakfast) pp: 10-15 Euros, Food in a traditional restaurant: 4-9 Euros, Food in a Fast Food restaurant: 2-5 euros, Bus Tehran-Isfahan (about 350 km): 8 euros one way, Flight Shiraz-Tehran: 40 euros one way, Entrance fees: € 2-3. UNESCO World Heritage Sites such as Arc-e Bam, Persepolis or the Golestan Palace in Tehran cost btw. 6 and 10 euros.

Persian hospitality will surprise you!

Despite all the media reports, travelers to Old Persia will recognize one thing very fast: the open, courteous and hospitable people of Iran. I have never met so many nice people in any other country. I was never more often invited to tea or a meal, was taken to a private city tour or a tour of the bazaar so many times. The Iranians know about the bad reputation of their country and do everything they can to oppose their kindness. The phrase "Welcome to Iran" still echoes in my ears whenever someone said it to me on the road with an incredibly honest euphoria. This kindness is anything else but fake. Persians are also very polite and respectful to each other.

The Best time to travel to Iran is from March to May

As a good Persian friend once said: Iran is a country of four seasons. In fact, in January I first survived a snowball fight at the Caspian Sea and two days later stood in the Dasht-e Kavir desert at 30 degrees feeding some camels. True story! The best time to visit Iran depends on what you want to do. Skiing in the Elburz Mountains is only possible in winter, while in the central Iranian deserts it can get incredibly hot with over 70 degrees in summer. If there is something like a best time to travel to Iran, then that would be from March to May and September to November.

There is Internet in Iran but...

Yes, there is Internet in Iran and almost every hotel has Wi-Fi, although often very slow. Some sites like Facebook and Twitter are completely blocked (Instagram & WhatsApp are not.) The same is true for the apps that just show an error message in Iran. For everyone who does not want to give up certain news portals and social media sites, I can recommend the browser Open Door for smartphones & tablet. It allows access to all Internet sites. Also as a European, you don't need an adapter, as the European plug (Euro plug) fits into the sockets. For others you will, of course, need an adapter.

Language: Farsi for beginners

Iranians are generally well educated. So many young Persians also speak relatively good English and the really love to talk to tourist. If languages are not your forté all you need to start in Farsi is this: Salam (Hi), Baleh (Yes), Kheyr (No) Lotfan (Please) and Be

salomaty (Cheers). These couple of words is a pretty good start. The Persians will be so happy for every single word in Farsi that you try to use. If you want to prepare to make Persian guys smile with your knowledge, check out the Lonely Planet Farsi Phrasebook – it's a really good investment. It is also useful to remember the spelling of the numbers from 0-10, so you can read the price on your receipt or ticket.

۰ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰

Travel guide & Travel literature about Iran

I had good experiences especially with the Lonely Planet Iran (English), although the fact that some sight descriptions are pretty short, some prices overhauled and distances specified incorrectly. Nevertheless, in my opinion, Lonely Planet is still the best traveler's bible for backpacking Iran. Besides another useful Iran travel guide by Bradt, there are two interesting books called Revolutionary Iran: A History of the Islamic Republic and Iran Empire of the Mind: A History from Zoroaster to the Present Day that gives you a good overall understanding of Iran and Old Persia.

Isfahan: A Persian beauty

An Iranian proverb says, Isfahan is half the world. I say it's at least half Persia. For indeed, all romantic notions of the Orient are fully serviced here. First, there is the Naqsh-e Jahan Square, a 500-meter area that is said to be the second largest square in the world after Tiananmen Square in Beijing – well, in the opinion of the local population it is the greatest square anyway. Especially on Friday, the weekly holiday in Islam, the people gather together. Big families, friends and lovers spend their evenings on the green grass and enliven the place with a lively atmosphere. From all cities in Iran, Isfahan is definitely the most well-known besides Tehran. On the other hand, the city comes up with some of the most magnificent buildings in the entire Middle Orient. First of all there is the royal mosque Masjed-e Shah (or Masjed-e Imam) and the majestic Sheikh Lotfollah Mosque directly at Imam Square. Then there is as well the gigantic Jameh Mosque of Isfahan (Masjed-e Jameh) hidden behind the bazaar that no visitor should miss. Not to forget the lovely Hasht Behesht Palace and the impressive Forty Pillars Palace Chehel Sotoon amidst wonderful sprawling gardens. For the hot hours of the day, I can recommend a stroll through Bazaar-e-Bozorg-e Isfahan, under whose thick walls you can lose yourself extensively. The bazaar is mainly famous for the finely crafted carpets and handicrafts. And in the evening, when the sun sets behind the peaks of the Zagros mountain range, the only thing missing is a visit to the Pol-e Si-o-Seh (Si-o-Seh Bridge), a 400-year-old 33-arch bridge that has lost any trace of charm and despite all the efforts of the government in the evening is still a popular meeting place for the young population. No wonder, Isfahan, one can easily fall in love with you!

Yazd: The most picturesque desert city

Yazd lies 250 km east of Isfahan and is the Persian desert city.





because many young Persians are vegetarians, too. There are usually a few dishes to choose from. If not, it is common to ask before ordering it, if they could just leave out the meat. Tap water is drinkable in many places, but often with very high mineral content. In summer there are free water dispensers. The best alternative everywhere in Iran, of course, is always a tea – coffee is rather unusual. Alcohol is strictly forbidden and will be punished for possession of up to 72 lashes. It is also forbidden to bring alcohol to Iran.

Solo travel vs. group travel

For Germans and some other passport holders, it's easy to travel individually and on your own in Iran. Travel in Iran for Americans is only allowed in the form of a well-organized group tour and not in the form of backpacking Iran. Individual tours are completely denied. Since February 2014 British and Canadian citizens must also be a part of a tour or travel with a privately hired guide. As a man solo traveling to Iran is no problem. As a woman... Well, everyone needs to decide for herself. Indeed, also foreign women in Iran must adopt specific rules like wearing a headscarf the entire time and covering the body with loose clothing. Maybe you will be able to meet other solo travelers in hotels with whom you could travel on together at some point. I personally believe that Iran, as compared to some countries of the Arab world for example, is relatively harmless in terms of sexual assault. Eventually every individual must decide for herself, how to behave in certain situations, whether it is necessary to walk into this dark street all alone, or whether it might be too late to take a walk around the block. Simply try to listen to your instinct.

Currency: One currency, two names!

In Iran, no international credit cards, debit cards and travelers checks are accepted. Visa and MasterCard do not work because these are American companies that are subjected to the penalties. Bring money in cash – Euros or US dollars – for any expenditure on round trips or while backpacking Iran. Then you can change cash to Rial on arrival at the airport, at exchange offices or in major hotels on the daily rate. And there is something else that you have got used to: the Rial itself. The currency in Iran has not only tens of zeros (300,000 Rials are about 10 euros/7 GBP/11 USD), so that you can quickly become a millionaire, there is also a fake currency that is called Tuman or Toman. You won't find it on any coin or bill, but in the people's language. The Tuman is just a tenth

of the Rial price. So don't be surprised if the lunch occurs cheaper than it might be. The trick is adding an imaginary zero to get the right amount in Rial. Most prices are in Tuman, because that is the market price, both in stores and on the bazaar. Here it should be mentioned that there no Persian has ever cheated me these zero, although he had the chance to do so. It would be so easy to rip off tourists with this. Many hotels also accept US dollars and Euros. But you mostly get away cheaper with local currency.

Dress code for men and women

All tourists must adhere to the Islamic dress code. To make it short: women may show no hair and legs, and generally do not wear form-fitting clothing. The feet must be hidden with opaque stockings. In fact, many young women in Iran know how to dress individually and stylish and always find a little escape from the rules, like a bright pink headscarf instead of the staid black or by wearing it kind of loose on the bun. Fashion is a statement. And for some, rebellion begins with a little step, especially in Iran. There is a "Morality Police" in bigger Iranian cities, but they concentrate more on young Iranians than tourists. The only thing that could happen to you is that someone gives you a subtle hint on the street. You can always play the tourist card. In fact, men also have to adhere to the dress code when backpacking Iran: no shorts, tank tops or short T-shirts. Please also check Anekdotique's detailed article on the clothing and appropriate behavior in Iran especially for women.

Feel safer in Iran than in so many dark corners of European cities!

Almost everything we think we know about Iran is the work of overzealous Western journalists. In Iran, no woman has to wear a burka, Iranians are no terrorists, not everyone has nuclear weapons in the basement and the Islamic Republic does not mean Islamic State. Iranians do not hate America; on the contrary, many secretly even cherish the American Dream. While backpacking Iran you will soon notice that the issue of security in the country is overstated from many sides. I felt safer in Iran than in so many dark corners of European cities. And I know more stories of travelers who were victim of theft in Italy or brutally robbed in Argentina. But not in Iran. On the contrary, according to an annually updated Risk Map, the Iran ranks higher in the internal security for tourists than some usual tourist destinations. However, you should try to avoid the unstable border regions to Afghanistan, Pakistan and Iraq. Since the election of moderate President Hassan Rouhani in 2013 international connections are also better and national rules have even been improved a bit. However, it does not hurt to report your own arrival in advance at your embassy, if they offer that possibility. The German Embassy for example has a form on its site.

Photography and filming is critical

This is also critical. In and round many public buildings photography is strictly prohibited and may result in having to delete the photo in front of a policeman. If you want to take photos of the locals, please be asking.

Arrive in Iran by train, plane or even bicycle!

You can enter the country overland via Turkey, either on the old Orient Express route by train or even by motorcycle or bicycle. But from Europe, the easiest way to get to Iran is still by plane, for example with Turkish Airlines (via IST), Austrian Airlines (via VIE), Emirates (via DXB), Alitalia (via FCO), Pegasus Airlines, Iran Air or Germania. Most flights go to Tehran (IKA), but now there are also direct flights to other parts of the country. The Imam Khomeini International Airport (IKA) is located 30 kilometers southwest of Tehran and is the largest airport in the capital. As a subway line to the city centre is planned but not built yet, it is advisable to take a taxi. The new fixed rate is IRR 500,000, which is about 17 Euros, 12 GBP or 18 USD. Payment is possible only in Rial or US dollars.

The Mehrabad International Airport (THR) is closer to the city. Here, however, hardly any international flights are handled. A taxi costs about 8 Euros depending on the destination.

Good public transport in Iran

The infrastructure in Iran is good. In addition to a good rail network, there are some excellent connections in partially comfortable buses and also cheap domestic flights. There are many domestic bus routes. Some of the buses are even better than those of most European bus operators. The so-called VIP buses have about as wide and comfortable seats, like in a good airlines business class. On long haul they are therefore a real alternative to the domestic airlines, which are not necessarily the safest ones (e.g. Iran Air, Mahan Air, and Caspian Airlines). Between the largest cities such as Shiraz, Tehran or Isfahan there are also rail links that I have never tried. Nevertheless they are considered as a good alternative to the long-distance buses. There is a well-developed flight route network in Iran. Flights are cheap (e.g. Shiraz to Tehran costs about 40 Euros one way) and prices are regulated by the government, so there are no significant price fluctuations between airlines. Please just forget the idea of driving a car in Iran. The traffic is fatal. If you are not en route to India with your own car and have to pass Iran anyway, just don't do it. In Tehran, there are several lines of a quite modern subway, which is a great alternative to a taxi, especially in the endless rush hour.

Getting visa on arrival to Iran!

Getting a visa for Iran can take you two to three weeks. As rules change from time to time, please check with a consulate in your country (if it has one). There is visa on arrival for passport-holders from half-a-dozen countries. If you are not a resident of one of these, the best thing to do is to arrange a visa in advance or take the risk of applying for a 15-day visa on arrival at the airport in Iran. It's possible for US Americans to get an Iran Visa. But you are not allowed to do backpacking in Iran. On the contrary, you need to pre-arrange a private guide or a tour operator, or be sponsored by a friend or relative in Iran who will take legal responsibility for you. Israeli passport holders as well as anyone with an Israeli stamp in their passport will not get a visa. The tourist visa is the best option. It is issued for up to 30 days, but extendable (valid for 90 days)

You have to get this visa before traveling to Iran. Tourist visa on arrival (VOA) is issued to people from 65 countries for a max. Of 15 days on arrival at any Iranian international airport but only with an onward air ticket. This still seems to be risky, although I haven't heard of someone lately who was denied entry. The VOA is available for example for most European, ASEAN, countries in the Persian Gulf Region, Central Asian countries, some South American countries, China, Australia, Japan, India, New Zealand or South Korea. Transit visa is another option. If you are en route



to another country, you can get an Iranian transit visa for a max. Of 7 days. This option is only available for non-US passport holders. After deciding for a visa type you can get the visa yourself or pay an agency.

Don't worry about hotels & accommodations

In every major city you can find at least two hotels, which are well prepared for backpackers and independent travelers. Staying in these often traditional houses is mostly affordable. Reservations can be made either through the hotel's website or via phone. A good and reliable range of hotels is provided by the Lonely Planet Iran.

Don't miss Persian cuisine!

Besides the fact that one can find lots of cheap fast food like pizza and burgers in bigger cities, the Iranian cuisine offers some real highlights. For example, Dizi, a traditional lamb based stew with beans, chickpeas, potatoes, tomatoes, onions, turmeric and dried limes. But the Iranian national dish is Tschelo Kabab – steamed rice with grilled lamb or beef on a skewer that is usually enjoyed with a Dugh, the Persian version of the Turkish drink Ayran. I also found Ash (or asch) very yummy, a thick soup of noodles, lentils, beans, vegetables, mint, onions and yogurt. Good restaurants are often located on the 1st floor or in the basement. So it is always worth keeping your eyes open. The best restaurants are mostly small, inconspicuous, where the boys serve the guests while mom prepares the meal for decades. Vegetarians in Iran: Don't worry,



Fulfill a dream of traveling to Iran **B**ackpacking Iran All you need to know

Clemens Sehi is a German traveler who backpacked Iran in 2015 and wrote some article about his travel to different cities of this country. Gardeshgar Selected some parts of his travel articles which published in his blog (anekdotique.com).

Who is not dreaming of a trip to Iran, the booming destination that attracts more and more visitors with natural wonders, blue-tiled mosques and wild bazaars? In this guide you find everything you need to know for backpacking Iran and participants of a round trip alike. Salam! Iran is experiencing a boom in travel these days. Although there are so many false prejudices, the country surprises visitors with a huge variety of stunning nature, culture and architecture. After two trips to various regions of the country, from the Caspian Sea to the Persian Gulf, I've now compiled this handy guide to Backpacking Iran.

Visiting Iran; one the best decisions I ever made!

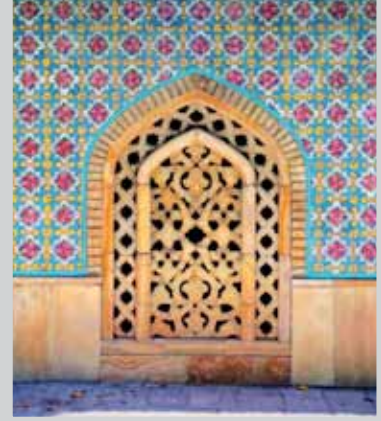
June came up with an absolute travel dream of mine, with some surprising highlights and the beginning of a long road trip. Namely through 7 countries of the Balkans in Eastern Europe. But first ...

Persia! There it was, the absolut highlight of 2014: IRAN! Where others get goose bumps when thinking about a country that is so often falsely connected to terror in world media, I get goosebumps when thinking back to those weeks I spend in such fabulous places like Isfahan, Shiraz or Bam. With people so hospitable, mosques and palaces so magnificent and salt deserts so picturesque. Iran, you had me at salam! Anekdotique 2014 Travel Retrospective: the city of Isfahan in Iran Anekdotique 2014 Travel Retrospective: my travels brought me to Iran Anekdotique 2014 Travel Retrospective in Iran We went from Tehran all the way down to Kashan, Yazd and Isfahan to the city of Shiraz, made some new friends (and I really mean friends), got a free guided tour of one of the most important mosques of Islam by an old, over-friendly man and simply got hooked by the charm of old Persia. Visiting Iran was one the best decisions I ever made when it comes to travels. And it definitely won't be my last visit.

GARDESHGAR



▲ Badabe Sort Springs, Sari, Iran ▼ Nomds, camping near Isfahan



▲ Golestan Palace, Tehran, Iran



▼ Pamena mosque, Zavareh, Isfahan



▼ Montreal, Canada



Gardeshgar (Tourist) is a semi monthly journal, belongs to Isfahan-e Ziba newspaper and dedicates to travel. Gardeshgar is published 2 times a month; one in the first and another in the second half of it.

Gardeshgar is released by Isfahan-e ziba newspaper. Isfahan-e ziba newspaper is published by municipality of Isfahan and **Dr. Sayed Morteza Saghaian-Nejad**, the Mayor of Isfahan.

Editor in Chief **Rezvan Asghari**

Managing Editor **Nafise Hajati**

Public Relations **Akbar Mantashlou**

Graphic Designer **Mohammad Hasan Latifi**

Gardeshgar Reporters and Coworkers **Hamidreza Nikoomaram, Mahdi Tamizi, Mehdi Goli, Pari Zangene, Alireza Damadzadeh, Ehsan Emadi**

Editors **Somaye Hafizi, Maryam Moshirpanahi, Rezvan Vatankhah**

Address **Second Floor, Isfahan Municipality Media building, Taleghani Street, Imam Hossein Square, Isfahan, Iran**
Phone **+98-313-2229512** \ Email **gardeshgar.isf@gmail.com**

Cover Photo **Nomads in Semirom, Isfahan** By **Hamidreza Nikoomaram**